

چشمه جاوید

نگاهی به خطبه پیامبر در غدیر خم

دکتر مهدی خدایان آرانی

مجموعه آثار / ۷۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در کربلا بودم، در آن حرم سراسر نور، دعا می‌کردم و از آن بزرگوار می‌خواستم توفیق نوکری‌اش را از من نگیرد، وقتی که به پهنای صورت اشک ریختم، دلم آرام و قرار یافت!

به هتل بازگشتم، خسته بودم، خوابیدم، نزدیک اذان صبح در خواب، بانویی را دیدم که به من چنین گفت: «از میان همه کتاب‌های تو، چشمه جاوید را بیشتر می‌پسندم!».

از خواب بیدار شدم، در تعجب بودم، در میان صد کتابی که نوشته بودم، کتابی به این نام نبود، پس چه رازی در این خواب نهفته بود؟

به قم بازگشتم. نزد یکی از اساتید خود رفتم، ماجرا را بیان کردم، چشمان او پر از اشک شد و گفت: «بانویی مهربانی‌ها به شما لطف کرده است، اگر به شکرانه این خواب، همه مردم دنیا را اطعام کنی باز هم کم است...».

مدتی گذشت، هر کتابی را تصمیم می‌گرفتم به این نام بنهم، نیمه‌تمام می‌ماند و قلم من قفل می‌شد! چنین چیزی سابقه نداشت و من همچنان در حیرت از این ماجرا بودم! دلم می‌خواست آنچه را از من خواسته شده بود انجام دهم، ولی نمی‌شد و این راز بر من پوشیده بود و همچنان به دنبال گمشده‌ام بودم.

ایام غدیر نزدیک شد، شبی خطبه پیامبر در روز عید غدیر را مطالعه می‌کردم،

گمشده انسانِ امروز را در آن خطبه یافتیم و دانستیم که خطبه غدیر، چشمه‌ای جوشان از معارف دین است و برای همیشه بشریت را سیراب می‌سازد، برای همین تصمیم گرفتیم با قلم خویش، پیام‌رسان غدیر باشیم، این‌گونه بود که راز کتاب «چشمه جاوید» آشکار شد...

این کتاب، برداشتی آزاد از «خطبه غدیر» می‌باشد و ترجمه «تحت اللفظی» نیست، ولی متن عربی خطبه را از کتاب الإحتجاج نقل کرده‌ام، و برای حفظ امانت در نقل، هیچ تغییری در آن متن عربی نداده‌ام.*

وقتی کار نوشتن کتاب تمام شد، در فکر بودم که چگونه شکر این نعمت را به جا آورم، تصمیم خودم را گرفتم و همه حقوق مادی این کتاب را از خود سلب کردم و به همه اجازه دادم این کتاب را هر تعداد که دوست داشتند، چاپ کنند. این کمترین کاری است که من می‌توانم برای شکرگزاری انجام بدهم، من این کتاب را نذر بانویِ مهربانی‌ها، حضرت فاطمه علیها السلام می‌کنم، شاید...

مهدی خُدامیان

تیرماه ۱۳۹۶

همراه نویسنده ۰۹۱۳۲۶۱۹۴۳۳ سایت نویسنده: www.Nabnak.ir

جهت دانلود فایل کتاب به سایت بالا مراجعه کنید.

* . المجلد الاول ص ۶۷-۵۵ (الإحتجاج علی أهل اللجاج، أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب

الطبرسي، ت ۶۲۰هـ، بيروت: مؤسسة الأعلمي الاعلمي، الطبعة الأولى، ۱۴۰۱ هـ.ق).

آغاز سخن

آقای من! پاسخ سلام تو را شنیدم، ممنونم که با مهربانی این ذره ناچیز را تحویل گرفتی، من فدای مهربانی تو بشوم ای پیامبر مهربانی‌ها! ای محمد! ای جلوه زیبای عشق!

برایم سخن بگو! خودت می‌دانی که چقدر محتاج سخن تو هستم! من به تو باور دارم، به خدایی که تو را فرستاده است، ایمان دارم، سخن تو را حق می‌دانم، برایم سخن بگو! نگذار راه را گم کنم.

نگرانی همه وجود مرا گرفته است، من این همه راه آمده‌ام چون شنیده‌ام که تو خبر از رفتن خود داده‌ای! وقتی تو از این دنیا بروی چه خواهم کرد؟ به کجا پناه خواهم برد، راه را چگونه خواهم یافت، گرگ راه در کمین است تا باور مرا از من بگیرد و بیراهه را برایم همچون راه جلوه دهد. من از فریب‌ها و نیرنگ‌ها می‌ترسم، با من سخن بگو!

من اینجا ایستاده‌ام، روبروی تو! به نشانه ادب، دست بر سینه گرفته‌ام، نگاه کن! اضطراب را در چهره‌ام می‌بینی؟ چقدر دلهره دارم، می‌دانم وقتی تو بروی، نور

امید در این جامعه خاموش می‌شود، تو فرستاده خدایی! به نگاه تو دلگرم بودم، وقتی بروی با آماج فتنه‌ها چه کنم؟ با دروغ‌های رنگ و لعاب شده چه کنم؟ با آن سرابی که به ما وعده می‌دهند چه کنم؟ وقتی جهل و جنون سلطه‌اش را آغاز کند چاره این غمزده چه خواهد بود؟

ای پیامبر مهربانی! غمزدگان را دریاب!

این‌ها فقط حرف‌های خود من نیست، سخن من، سخن «انسان» است، انسانی که شیطان در کمین او نشسته است و می‌خواهد او را گمراه کند. انسانی که گاه خیال می‌کند در این دنیای خاکی رها شده است، ولی وقتی با خود خلوت می‌کند می‌بیند که از جنس خاک و سنگ نیست، او عظمت روح خود را درک می‌کند و برای همین با دنیا غریبی می‌کند. آن کس که «دردِ غربت» را فهمید تو را باور کرد، در سایه قرآنی که تو آوردی، آرامش یافت، پشت سر تو حرکت کرد، ولی اکنون از رفتن تو نگران است!

آقای من! تو از رفتن خویش خبر دادی، آن روز بود که اشک ماتم بر چشمانم نشست، حس کردم که با رفتن تو، دل من برای آسمان خدا تنگ می‌شود. کاش پیش ما می‌ماندی! ولی این آرزو با حکمت خدا نمی‌سازد، خدا چنین خواسته است که تو از پیش ما بروی و در بهشت خدا مهمان شوی.

* * *

ممنون تو هستم آقای من!

ممنونم که سخنم را شنیدی و می‌خواهی در اینجا برای ما سخن بگویی! تو صحرای «غدیر» را انتخاب کردی تا مهم‌ترین سخنان خود را بازگو کنی. این برنامه‌ای است که خدا تو را به آن فرمان داده است، تو از مدت‌ها پیش در فکر

اجرای این برنامه بودی.

چند ماه قبل، اعلام کردی که می‌خواهی به سفر حج بروی، از مدینه به سوی مکه حرکت کردی، بیش از صد هزار نفر، همراه تو حج به جا آوردند، بعد از انجام حج به سوی مدینه به راه افتادید، در مسیر برگشت به «غدیر» رسیدی! «غدیر» به معنای «برکه آب» است، برکه‌ای که آب تمیزی دارد. برکه‌ای زلال. وعده خدا فرا می‌رسد، در اینجا برایم سخن می‌گویی! این سخنرانی تو، مرا به ادامه راه فرا می‌خواند، دیگر هیچ‌کس راه آسمان را گم نخواهد کرد. «خطبه غدیر»، یک چشمه جاوید است، چشمه‌ای که همواره می‌جوشد و تشنگان حقیقت را سیراب می‌سازد.

تو در اینجا خطبه می‌خوانی و سخنرانی می‌کنی تا برای همه تاریخ، روشنگری کنی و حق را آشکار نمایی. به راستی راز عظمت عید غدیر در چیست؟ اگر عید غدیر بزرگ‌ترین عید مسلمانان است به خاطر این خطبه توست. من سخن تو را با تمام وجود می‌شنوم، پس برایم سخن بگو...

فصل اول: یاد خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَاحْاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ. مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يَزَالُ.

سخن خود را با یاد خدا آغاز می‌کنی، او را ستایش می‌کنی که همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها از اوست، او یگانه است، مقامی بس بزرگ دارد، به من یاد آوری می‌کنی که خدا به بندگان خود نزدیک است، جهان را با این عظمت آفرید و به همه چیز آگاهی دارد، قدرت او بی‌پایان است، جز خوبی و زیبایی از او سر نزده است و همواره شایسته ستایش بوده است.

بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاجِي الْمَدْحُورَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ. قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءَةٍ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءٍ، يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْأَةٍ. قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَمَنْ عَلَيْهِمْ يَنْعَمْتَهُ، لَا يَعْجَلُ بِأَنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

او آسمان‌ها و زمین را آفریده است و بر آن‌ها حکم‌فرمایی می‌کند، به امر اوست که خورشید طلوع می‌کند و باران می‌بارد، خدا از هر عیب و نقصی به دور است، او خدای فرشتگان است. او به همه آفریده‌هایش مهربانی می‌کند، او همه را می‌بیند اگر چه خودش دیده نمی‌شود، او برتر از آن است که با چشم دیده شود، او هم مهربان است و هم بردبار، سایه مهربانی خود را بر همه چیز افکنده است و با نعمت‌هایش بر همه منت نهاده است.

کسانی که نافرمانی او را کنند به عذاب گرفتار می‌شوند ولی خدا در عذاب کردن گنهکاران عجله نمی‌کند، به آنان فرصت می‌دهد شاید توبه کنند.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ، وَ لَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْئاً، وَ هُوَ مُنْتَهَى الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ. دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

خدا از همه چیز باخبر است، هیچ چیز از او پنهان نیست، از راز دل همه، آگاهی دارد. او به همه چیز قدرت دارد، مثل و مانند ندارد، بی‌همتاست. او همه چیز را آفریده است ولی خودش آفریده نشده است. هرگز از بین نمی‌رود، همیشه بوده است و برای همیشه خواهد بود، او هرگز به بندگانش ظلم نمی‌کند، خدایی جز او نیست، او قدرتمند است و همه کارهای او از روی حکمت است.

جَلَّ عَن أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضْفَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَ عِلَاقَتِهِ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةَ مُشِيرٍ، وَ لَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي

تَقْدِيرٍ، وَلَا تَفَاوُتٍ فِي تَدْبِيرٍ.

خدا بالاتر از آن است که چشمی او را ببیند، ولی او همه را می‌بیند، او هرگز در فکر و خیال نمی‌گنجد، به همه چیز آگاهی دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند او را ببیند و وصف او را بنماید، هیچ‌کس نمی‌داند او چگونه است، او خودش را در قرآن معرفی کرده است، ما می‌توانیم درباره او، آن‌طور که در قرآن آمده است سخن بگوییم. او خدایی است که همیشه از بدی‌ها و عیب‌ها به دور بوده است، او همیشه بوده است و هرگز در کارهایش نیاز به راهنمایی دیگران نداشته است و در برنامه‌هایی که برای جهان دارد، هیچ شریکی ندارد و در اداره کارها دچار اختلاف نظر نمی‌شود.

صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ
وَلَا اِحْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ، فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،
الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَزْجَعُ
إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ
لِهَيْبَتِهِ.

او جهان را آفرید بدون آن‌که قبلاً نمونه و الگویی داشته باشد، او در آفریدن جهان از هیچ‌کس کمکی نگرفت، آفرینش برای او هیچ زحمتی ندارد و در این کار هرگز به بن‌بست نمی‌رسد که نیاز به راه‌حل پیدا کند! قبل از این که او آفریده‌ها را بیافریند، آنها وجودی نداشتند، این خدا بود که به آنان، نعمت وجود داد. فقط او شایسته پرستش است، او جهان را محکم و استوار آفرید و آفریده‌هایش نیکو و زیباست. او هرگز ظلم و ستم نمی‌کند، گناهان را می‌بخشد و همه چیز به سوی لطف و مهربانی او باز می‌گردد. همه چیز در برابر قدرت او، ناتوان است.

مَلِكُ الْأَمْثَالِكِ، وَمُفْلِكُ الْأَفْلَاكِ، وَمُسَجِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ
 مُسَمًّى، يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ، وَيُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْلُبُهُ حَشِيئاً.
 قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ،
 أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدُّ.

او سرآمد همه قدرت‌ها است، اوست که کهکشان‌ها را می‌گرداند و ماه و خورشید
 به دست قدرت او می‌چرخند. تا زمانی که او اراده کند چرخش ماه و خورشید ادامه
 پیدا می‌کند، اوست که فرمان می‌دهد و شب و روز، به سرعت به دنبال یکدیگر
 می‌آیند و می‌روند.

هر وقت اراده کند هر ستمکار لجبازی را نابود می‌کند و هر شیطان نافرمانی را
 هلاک می‌کند. هیچ چیز نمی‌تواند با اراده او مخالفت کند، برای او همتایی نیست،
 او یکتا و بی‌نیاز است. از کسی زاییده نشده است و نه کسی را می‌زاید، مثل و
 مانندی ندارد، او یگانه و با عظمت است.

يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَيَمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَ
 يُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ
 هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ.

اگر چیزی را بخواهد، آن را حتمی می‌کند، اگر اراده نماید، آن را انجام می‌دهد؛ و
 هرچه را می‌داند می‌تواند آن را شمارش کند. اوست که می‌میراند و زنده می‌کند؛
 فقیر می‌کند و بی‌نیاز می‌سازد؛ گاهی می‌خنداند، گاهی می‌گریاند؛ گاهی عطا
 می‌کند، گاهی دریغ می‌کند. حکمرانی جهان از آن اوست؛ حمد و سپاس، شایسته
 اوست؛ خیر و نیکی هم به دست اوست. او به هر کاری تواناست. شب و روز را

می‌آورد و می‌برد، هیچ خدایی جز او نیست؛ همان خدایی که بزرگوار است و گناه
بندگان را می‌بخشد.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ، وَ مُجْزِلُ العَطَاءِ، مُخْصِي الأَنْفَاسِ، وَ رَبُّ الجَنَّةِ وَ النَّاسِ. لَا
يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ المُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ السَّحَابُ
المُطْرِحِينَ، العَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ المُؤَقِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى العَالَمِينَ. الَّذِي
اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ، أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ.

او دعای بندگان را می‌شنود و حاجت آنان را روا می‌کند، بخشش‌های فراوان
دارد، او شماره نفس‌ها را می‌داند، او پروردگار جن و بشر است. هیچ چیز بر او
مشکل و پیچیده نیست.

فریاد دادخواهان، او را به ستوه نمی‌آورد و اصرار آنها، او را خسته نمی‌کند. او
همان خدایی است که از بندگان خوب خود، محافظت می‌کند و به رستگاران
توفیق انجام کار خیر می‌دهد و پروردگار جهانیان است و سزاوار و شایسته است
که آفریده‌ها او را شکر و سپاس گویند.

* * *

آقای من! از تو ممنونم! چقدر این سخنان تو به من آرامش داد، این سخنان،
سراسر نور است. من اکنون خدا را بهتر می‌شناسم، دیگر به سخنان آنان که از
حقیقت فاصله گرفته‌اند گوش نمی‌کنم. کسانی را می‌شناسم که خود را مسلمان
می‌دانند ولی درباره خدا این‌گونه کفرآمیز سخن می‌گویند:

۱ - «خدا شب‌های جمعه به شکل جوانی زیبا به پشت‌بام‌ها می‌آید، خدا را
می‌توان در خواب دید و او را در آغوش گرفت».

۲ - «گاهی وقت‌ها خدا مریض می‌شود».

۳ - «وقتی خدا جهان را آفرید به پشت خوابید و پای خود را روی پای دیگرش انداخت».

۴ - «خدا روی تختی می‌نشیند و چهار فرشته خدا را جا به جا می‌کنند».

آری، این خدایی است که وهابیت به آن باور دارد!!!

من دیگر هرگز به این سخنان توجهی نمی‌کنم، خدای من آن خدایی است که تو درباره او سخن گفتی، خدایی که هرگز با چشم دیده نمی‌شود، مثل و مانند ندارد، او بالاتر از آن است که به وصف درآید، از همه ویژگی‌هایی که آفریده‌ها دارند به دور است.

* * *

آقای من! برای ما از «توحید» سخن گفتی چرا که اگر باور به خدا نباشد، پیروی از تو و جانشین تو معنایی ندارد، ما از تو پیروی می‌کنیم چون به «خدا» باور داریم. راز اطاعت ما از تو، اعتقاد به «توحید» است، اعتقاد به خدایی که تو فرستاده او هستی، خدایی که برای هدایت ما برنامه دارد، او جهان را به حال خود رها نکرده است، نظام هستی را اداره می‌کند، همه چیز در دست قدرت اوست. به راستی که من چقدر نیازمندم که بارها این سخنان تو را بخوانم و با خدای مهربان خویش بهتر آشنا شوم!

فصل دوم: ادامه راه

أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُومِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَ
كُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ، وَأُطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَأَسْتَسْلِمُ
لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ، وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ،
وَلَا يَخَافُ جَوْرَهُ. وَأَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأُشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

آقای من! برایم بیان کردی که خدا را همواره در سختی‌ها و در راحتی‌ها، حمد و سپاس می‌گویی! تو به خدا، فرشتگان، پیامبران قبل و کتاب‌های آسمانی که قبل از قرآن نازل شده است ایمان داری.

به ما خبر می‌دهی که همواره گوش به فرمان خدا هستی و به هر چه او راضی است، عمل می‌کنی و در برابر خواسته‌هایش تسلیم هستی! زیرا تو مشتاق اطاعت از او هستی و از این که نافرمانی او را بنمایی در هراس می‌باشی، چرا که هر کس نافرمانی او را بنماید نمی‌تواند از عذابش در امان باشد. او خدایی است که به هیچ‌کس ظلم و ستم نمی‌کند، (این بندگان هستند که با نافرمانی او به خود ظلم و ستم می‌کنند).

تو فریاد برمی آوری که بنده خدا هستی و شهادت می دهی که او پروردگار توست.
 وَأُوْحِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ حَدْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلُ، فَتَجِلَّ بِي مِنْهُ فَارِعَةً لَا يَدْفَعُهَا
 عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛ لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ
 مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَاتَهُ.

به ما خبر می دهی که خدا از تو خواسته است کار مهمی را انجام دهی، تو بیم آن داری که اگر از این دستور سرپیچی کنی عذابی بر تو فرود آید که هیچ کس نتواند آن را از تو دور کند.

بار دیگر از یگانگی خدا سخن می گویی و به همه خبر می دهی که خدا پیام مهمی را به تو نازل کرده است و از تو خواسته است تا آن را به همه برسانی، اگر تو این کار را نکنی رسالت خویش را انجام نداده ای.

وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ. فَأُوْحِيَ إِلَيَّ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي
 عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَاتَهُ وَ
 اللَّهُ يَعِصُكَ مِنَ النَّاسِ.﴾ مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 تَعَالَى إِلَيَّ.

تو می دانی که اگر این پیام خدا را اعلام کنی عده ای با تو دشمنی خواهند کرد و چه بسا قصد جان تو را بنمایند، ولی خدا به تو ضمانت داده است که حيله دشمنان را از تو دور کند، این وعده خداست که آسیبی به تو نخواهد رسید. به راستی که خداوند مهربان است و بهترین پشتیبان توست.

اکنون آیه ای از قرآن را که خدا بر تو نازل کرده است می خوانی، آری، خدا با تو این گونه سخن گفته است: «به نام خدای بخشنده و مهربان! ای پیامبر! آن چه را

درباره جانشینی علی علیه السلام بر تو نازل کرده‌ام برای مردم بازگو کن و پیام مرا به آنان برسان! اگر تو این کار را انجام ندهی پیام مرا نرسانده‌ای. بدان که من تو را از شر مردم حفظ می‌کنم».

این همان آیه ۶۷ سوره «مائده» است. تو این آیه را می‌خوانی تا همه بدانند که آن پیام مهم درباره علی علیه السلام است و خدا اراده کرده است و علی علیه السلام جانشین تو باشد.

وقتی این آیه را برای همه بازگو کنی، دیگر دین کامل می‌شود و آشکار می‌شود که تو همه آنچه را که خدا بر تو نازل کرد به مردم رساندی و در راه رسالتی که بر دوش داشتی هیچ کوتاهی نکردی.

، وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ؛ إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا، يَا مُرْنِي
عَنِ السَّلَامِ رَبِّي، وَهُوَ السَّلَامُ، أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَيْبَضَ وَ
أَسْوَدَ، أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي، وَوَصِيِّي، وَخَلِيفَتِي، وَالْإِمَامَ مِنْ
بَعْدِي؛ الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ
وَأَيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

اکنون می‌خواهی علت نازل شدن این آیه را بازگو کنی: جبرئیل سه بار، نزد تو آمد و از طرف خدا به تو دستور داد در سرزمین «غدیر» توقف کنی و برای مردم سخن بگویی.

تو به همه اعلام می‌کنی که علی علیه السلام برادر، وصی و جانشین توست. او بعد از تو، «امام» خواهد بود. جایگاه او نسبت به تو مانند جایگاه هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام است، همانگونه که هارون علیه السلام، جانشین موسی علیه السلام بود، علی علیه السلام هم جانشین توست، البته بعد از تو هیچ پیامبر دیگری نخواهد آمد.

خدا مولا و صاحب اختیار همه است، پس از خدا، تو مولای همه می‌باشی و بعد از تو، این علی علیه السلام است که مولای همه است.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ، آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾. وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ، يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

اکنون می‌خواهی از آیه ۵۵ سوره مائده سخن بگویی، تو به همه خبر می‌دهی که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است. قرآن در این آیه چنین می‌گوید: «بدانید که فقط خدا و پیامبر و کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در رکوع نماز، صدقه می‌دهند، بر شما ولایت دارند».

علی علیه السلام تنها کسی است که نماز را به پا داشته است و در رکوع نماز، صدقه داده است. او همواره کارهایش را فقط برای خدا انجام می‌دهد، آری، چون علی علیه السلام در آن اخلاص داشت، خدا آن را از او قبول کرد.

آری، تو از سال‌ها پیش سخن می‌گویی، از روزی که فقیری وارد مسجد شد و از مردم طلب یاری کرد، اما کسی به او صدقه‌ای نداد، او به شدت گرسنه بود، مدت‌ها بود که غذا نخورده بود، بار دیگر از مردم کمک طلبید، نگاهش به علی علیه السلام افتاد که در گوشه مسجد در حال رکوع نماز بود و با دست به او اشاره می‌کرد تا نزدیکش برود، او نزدیک رفت، علی علیه السلام انگشت خود را به او داد، اینجا بود که این آیه نازل شد.

تو از اخلاص علی علیه السلام در اینجا یاد کردی، زیرا وقتی آن آیه نازل شد، عده‌ای طمع کردند و چهل انگشت در نماز به فقیران دادند شاید آیه‌ای درباره آنان نازل

شود، ولی هیچ آیه‌ای درباره آنان نازل نشد زیرا قصد آنان از این کار، رضایت خدا نبود.

* * *

آقای من! از «توحید» و «یکتاپرستی» سخن گفتی و به این اشاره کردی که خدا هرگز به بندگانش ظلم و ستم نمی‌کند، این همان معنای «عدل» است، تو گفتی که هر کس نافرمانی کند و با امر خدا مخالفت کند به عذاب گرفتار می‌شود، یعنی بعد از این دنیا، حساب و کتابی در کار است، روز قیامت حقّ است، «معاد» حقّ است.

برایم از پیامبران و کتاب‌های آسمانی حرف زدی، این همان معنای «نبوت» است. این مسیر تاریخ است: از آدم علیه السلام که اولین پیامبر خدا بود تا تو که آخرین پیامبر هستی. پیامبران، معلّمان بزرگ بشریت هستند که هرکدام در یک رتبه و کلاسی، به آموزش بشر پرداخته‌اند، آنان از اصول و برنامه یکسانی پیروی کرده‌اند.

مدّت‌ها پیش، تو از رفتن خود خبر دادی، وقتی تو بروی این مسیر با «امامت» ادامه پیدا می‌کند، مسیر حقّ از آدم علیه السلام شروع شد و تا روز قیامت امتداد دارد. تو علی علیه السلام و یازده فرزند او را به عنوان «امام» معرفی می‌کنی، سخن امروز تو، سخنی به امتداد تاریخ است. این‌گونه است که با نبودن تو، راه هرگز گم نمی‌شود. این راه رستگاری، جریان دارد.

تو اصول دین را برایم بازگو کردی، من با این سخنان تو به «توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد» باور بیشتری پیدا کردم.

باز هم برایم سخن بگو! آقای من!

فصل سوم: درگیری حق و باطل

وَسَأَلْتُ جِبْرِيْلَ، أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، أَيُّهَا النَّاسُ! لِعِلْمِي بِقَلْبَةِ الْمُتَّقِينَ، وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَإِذْغَالِ الْأَثِمِينَ، وَخَتْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ؛ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَخْسِبُونََّهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

جبرئیل از طرف خدا تو را مأمور کرد تا مردم را به ولایت علی علیه السلام فراخوانی، تو از جبرئیل خواستی تا از خدا بخواهد و خدا تو را از این مأموریت معاف کند. به راستی چرا تو چنین خواستی؟ چه رازی در این کار تو بود؟

تو می دانستی که تعداد مؤمنان کم و تعداد منافقان زیاد است، خبر داشتی که منافقان با علی علیه السلام دشمن هستند، می دانستی که آنان آماده اند تا تو را مسخره کنند و از دشمنی های خود پرده بردارند، آنان مکر و حيله در سر دارند و می خواهند دین واقعی را از بین ببرند.

منافقان کسانی هستند که به ظاهر، نماز می خوانند و روزه می گیرند، اما دل های آنان از نور ایمان خالی است، خدا در قرآن در آیه ۱۶۷ سوره آل عمران، درباره

آنان چنین سخن گفته است: «آنان سخنانی به زبان می‌آورند که در دل به آن ایمان ندارند». آری، منافقان دورو هستند و خیال می‌کنند این کارشان، گناه نیست، در حالی که این دورویی، گناهی بس بزرگ است.

وَكَثْرَةً أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا، وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ، لِكَثْرَةِ
مُلَازَمَتِهِ إِتَابِي وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ؛ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا: ﴿وَ
مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ، وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ
يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ، وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ، لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾. وَلَوْ شِئْتُ، أَنْ أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ، لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ
أُومِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ، لَأُومِئْتُ، وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ، كَدَلْتُ، وَ لَكَيْتِي وَاللَّهِ فِي
أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ.

آنان بارها تو را آزار دادند، آنان به علی علیه السلام حسادت می‌ورزیدند، آنان می‌دیدند که علی علیه السلام همیشه همراه توست و تو به او توجه زیادی می‌کنی و همیشه سخنانش را می‌پذیری، برای همین از روی حسادت گفتند: «محمد چقدر زودباور است!». آنان به مردم گفتند که تو ساده و زودباور هستی و فکر می‌کردند که تو زودباوری! این سخنان منافقان آن قدر ادامه پیدا کرد تا خدا آیه ۶۱ سوره توبه را نازل کرد و با تو چنین سخن گفت: «ای پیامبر! بعضی از منافقان تو را آزار می‌دهند و می‌گویند زودباور هستی! به آنان بگو که خوش‌باور بودن من به نفع شماست، من به خدا و آنچه بر من نازل کرده ایمان دارم و گفتار مؤمنان را می‌پذیرم، از طرف دیگر، خوش‌باوری من برای شما که به ظاهر ایمان آورده‌اید، رحمت است، من سخن شما را قبول می‌کنم تا اسرار و رازهای شما آشکار نشود. بدانید کسانی که با

گفتار و کردارشان پیامبر خدا را آزار می‌دهند، به عذاب سختی گرفتار خواهند شد». آری، این نقطه قوت تو است که بسیاری از چیزها را متوجه می‌شدی، اما به روی خود نمی‌آوردی تا دروغگویان رسوا نشوند و راه توبه برای آنان بسته نشود. اگر تو بخواهی، می‌توانی آن منافقان را نام ببری و آنان را به همه معرفی نمایی؛ ولی این کار را نمی‌کنی و با بزرگواری با آن‌ها برخورد می‌کنی.

وَكُلِّ ذَلِكْ، لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّْي، إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ، ثُمَّ تَدَا: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ! بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾.

منافقان نقشه‌هایی در سر دارند و خطراتی در کمین است، اما تو می‌دانی تا زمانی که در این سرزمین، ولایت علی (علیه السلام) را (به طور رسمی) اعلام نکنی خدا از تو راضی نمی‌شود، برای همین بار دیگر آیه ۶۷ سوره مائده را برای مردم می‌خوانی، تا همه بدانند خدا با تو چنین سخن گفته است: «ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت (درباره جانشینی علی (علیه السلام)) بر تو نازل شده است، برای مردم بازگو کن و به آنان برسان! اگر تو این کار را انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای. بدان که خدا تو را از شر مردم حفظ می‌کند».

* * *

آقای من! به این سخنان تو فکر می‌کنم، تو از خط نفاق پرده برمی‌داری، راز مهمی را آشکار می‌کنی، اکنون می‌فهمم که جان تو در خطر است و برای همین خدا وعده داد که تو را از دسیسه‌های آنان حفظ می‌کند، ولی سؤال من این است: جان تو از طرف کدام دشمن در خطر است؟

از دشمنی که در میان کسانی است که در صف اول نماز، پشت سر تو ایستاده‌اند. آری، خط نفاق ریشه دوانده است و آماده است تا به دین خدا، ضربه بزند. من می‌دانم که حکمت خدا بر این است که همه انسان‌ها امتحان بشوند، او راه خوب و بد را به همه نشان می‌دهد، بعد از آن دیگر نوبت انتخاب آنان است، آن‌ها باید راه خودشان را انتخاب کنند، خدا انسان را با اختیار آفریده است. خدا همواره مردم را به سوی ایمان فرا می‌خواند و وسیله هدایت آن‌ها را فراهم می‌سازد، ولی هرگز آن‌ها را در پیمودن راه صحیح مجبور نمی‌کند، تو هم فقط راه را نشان می‌دهی، انتخاب با خود آن‌هاست.

وقتی بنا شد اختیار با خود انسان باشد، طبیعی است که عده‌ای ایمان می‌آورند و عده‌ای هم ایمان نمی‌آورند. اگر خدا انسان‌ها را مجبور به پذیرفتن راه حق می‌کرد، هرگز جنگ و اختلافی پیش نمی‌آمد ولی بشر به کمال نمی‌رسید، بشری که اختیار ندارد، ظلم هم نمی‌کند، ولی خدا انسان را به گونه‌ای آفرید که می‌تواند راه درست را انتخاب کند، اگر انسان رستگار شود، به اختیار خودش بوده است و این زیبایی انسان است.

این حکمت خداست، و بر اساس این حکمت «نزاع همیشگی بین حق و باطل» پیش آمده است.

خدا آدم علیه السلام را آفرید، شیطان به او حسادت ورزید و با او دشمنی کرد و او را از بهشت بیرون کرد، قایل، برادرش هابیل را کشت، نزاع نوح علیه السلام با بت پرستان، جنگ فرعون و موسی علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و نمrod، جنگ تو با ابوسفیان. امروز هم که خطر کافران برطرف شده است منافقان به میدان آمده‌اند و نقشه‌ها در سر دارند.

همیشه بین نور و ظلمت درگیری بوده است. یک طرف می‌خواهد خدا در روی زمین عبادت بشود، عبودیت شکل بگیرد، طرف دیگر می‌خواهد خدا از یادها برود و شیطان حکم‌فرما شود. یک طرف «عقل» است و طرف دیگر «جهل». یک طرف «بندگی خدا» است و طرف دیگر «گناه و معصیت»، برای همین است که خط نفاق با علی علیه السلام دشمنی دارد و نقشه‌ها در سر دارد. خط نفاق، قصد جان تو را داشت و می‌خواست قبل از آن‌که تو ولایت علی علیه السلام را بیان کنی تو را به شهادت برساند، اما خدا نگذاشت، خدا عهد بسته است که هیچ‌گاه راه حق، مخفی نماند و مسیر رستگاری گم نشود.

فصل چهارم: هدیه‌ای آسمانی

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا؛ مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ،
عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْخَاضِرِ،
وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ،
وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَائِزٌ قَوْلُهُ، نَافِذٌ
أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ، فَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ
لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

اکنون وقت آن است تا به همه اعلام کنی که خدا علی علیه السلام را به عنوان «مولا» و «امام» برگزیده است، این خداست که اطاعت علی علیه السلام را بر همه واجب کرده است. همه (چه مهاجر باشند چه انصار، چه عرب باشند چه غیر عرب، چه بزرگ باشند چه کوچک)، باید از علی علیه السلام پیروی کنند، و به سخنانش گوش دهند. هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند و با سخن او مخالفت کند از رحمت خدا دور می‌شود و به لعن خدا گرفتار می‌گردد، هر کس از علی علیه السلام پیروی کند، به رحمت خدا می‌رسد، هر کس امامت علی علیه السلام را بپذیرد، مؤمن است. هر که سخن علی علیه السلام

را گوش دهد و از او پیروی کند، خدا او را می‌آمرزد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْرَبُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَ
انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَاللَّهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ
رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ، وَإِلَيْكُمْ وَالْفَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ، وَإِلَيْكُمْ
وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ.

تو از رفتن خود خبر می‌دهی. سفر حج است و جمعیت فراوانی در اینجا جمع شده‌اند، اما تو آماده رفتن شده‌ای، دیگر سال آینده در میان ما نخواهی بود، این مطلب را به مردم می‌گویی از همه می‌خواهی تا به سخن تو گوش فرا دهند. به آنان خبر می‌دهی که آنچه امروز گفتی، دستور خداست و باید از آن پیروی کنند. این خداست که مولا و صاحب‌اختیار همه است، او بزرگ و بلند مرتبه است. خدایی که او را می‌پرستیم و به یگانگی او باور داریم و باید از دستور او پیروی کنیم. تو محمد، فرستاده او هستی که اکنون در جمع ما ایستاده‌ای و با ما سخن می‌گویی، تو سخن خدا را بازگو می‌کنی، خدا علی علیه السلام را به عنوان امام ما برگزیده است و تو پیام خدا را به ما می‌رسانی، بعد از علی علیه السلام، فرزندان او، امامان ما هستند، امامت آنان تا روز قیامت ادامه دارد.

آری، تو راه رستگاری را نشان به ما دادی، دیگر هرگز راه گم نمی‌شود، این راه تا روز قیامت ادامه دارد.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ. عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ،
وَ أَنَا أَفْضَيْتُ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي، مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

تو از قانون‌های خدا سخن می‌گویی، باید‌ها و نبایدهایی که خدا برای زندگی بشر

قرار داده است و هر کس مشتاق رستگاری است باید از این قانون‌ها پیروی کند. تو فرستاده خدا هستی و این قانون‌ها را خدا به تو اعلام کرد، آری، خدا علم قرآن را به تو عطا کرد و تو آن را به علی علیه السلام سپردی.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَخْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلَّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ، فَقَدْ أَخْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَضِلُّوا عَنْهُ، وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وَلَايَتِهِ.

برای ما بار دیگر از علم علی علیه السلام سخن می‌گوییم، علم و دانش او از همه برتر است و برای همین او شایستگی امامت را دارد. علی علیه السلام پیشوای پرهیزکاران است و حق را آشکار می‌کند.

به همه هشدار می‌دهی که هرگز از علی علیه السلام جدا نشوند و با او مخالفت نکنند، زیرا مخالفت با او چیزی جز گمراهی نیست. از همه می‌خواهی تا از راه علی علیه السلام روی برنگردانند و از ولایت او سرپیچی نکنند.

فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ، وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَيُنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ، مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

باز از ویژگی‌های علی علیه السلام سخن می‌گوییم و او را بیشتر معرفی می‌کنی تا همه او را بهتر بشناسند: علی علیه السلام کسی است که خودش به حق عمل می‌کند و دیگران را به سوی حق راهنمایی می‌کند. او کسی است که باطل را از بین می‌برد و مردم را

از باطل دور می‌نماید. همه کارهای او برای خشنودی خداست و هیچ کس نمی‌تواند با سرزنش کردن، او را از راه خدا منحرف کند.

علی علیه السلام اولین کسی است که به خدا و تو که فرستاده خدا هستی، ایمان آورده است. او کسی بود که حاضر شد جان خودش را فدای تو کند.

تو در اینجا به «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» اشاره می‌کنی، آن شب که کافران مکه تصمیم داشتند تا تو را به قتل برسانند و چهل نفر شمشیر به دست، خانه تو را محاصره کردند، آن شب علی علیه السلام به جای تو در بستر خوابید، کافران خیال کردند که تو در خانه در خواب هستی، برای همین تو موفق شدی از خانه بیرون بروی و به سوی مدینه حرکت کنی. علی علیه السلام در حالی که می‌دانست با طلوع آفتاب، چهل مرد جنگجو به خانه تو حمله می‌کنند در بستر تو خوابید، او این‌گونه تا پای جان، تو را یاری کرد، اینجا بود که خدا آیه ۲۰۷ سوره بقره درباره این فداکاری علی علیه السلام نازل کرد.

آری، در روزگاری که تو به پیامبری رسیدی، همه مردم بت‌ها را می‌پرستیدند، در آن زمان، علی علیه السلام تنها مردی بود که همراه با تو، خدای یگانه را عبادت می‌کرد. از مردم می‌خواهی تا علی علیه السلام را از دیگران برتر بدانند، زیرا خدا او را برتر از همه می‌داند. همه باید امامت او را قبول کنند زیرا خدا او را به عنوان «امام» انتخاب کرده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِّنَ اللَّهِ، وَكُنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّيْتَهُ، وَكُنْ
يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ، أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ
عَذَابًا نُّكْرًا أَبَدَ الْأَبَدِ، وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوا، فَتَصِلُوا نَارًا
وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ، أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

این سخن را تکرار می‌کنی: علی علیه السلام امامی است که خدا او را برگزیده است، اگر کسی ولایت او را قبول نکند، خدا به او نظر رحمت نمی‌کند و گناهان او را نمی‌بخشد. خدا دشمنان علی علیه السلام را نمی‌بخشد و آن‌ها را در روز قیامت برای همیشه به عذابی سخت گرفتار می‌سازد.

اکنون به کسانی که با علی علیه السلام مخالفت می‌کنند، هشدار می‌دهی و آنان را از آتش سوزان جهنم می‌ترسانی، هر کس راهی غیر از راه علی علیه السلام برگزیند به سوی جهنم رهسپار می‌شود.

أَيُّهَا النَّاسُ! بِي وَ اللَّهِ، بَشَّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا خَاتَمُ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ، كُفَّرَ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ
فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا، فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ، وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ، فَلَهُ النَّارُ.

تو آخرین پیامبر خدا هستی، همه پیامبرانی که قبل از تو آمده‌اند مژده آمدن تو را داده‌اند، تو وعده‌ای بودی که خدا آمدن تو را نوید داده بود. تو آخرین فرستاده‌ای هستی و بعد از تو دیگر هیچ پیامبری نمی‌آید. تو «حجت خدا» بر همه آفریده‌های خدا هستی.

کسی که در نبوت تو شک کند، راه کفر را رفته است و همانند بت پرستان زمان جاهلیت است. آری، سخن تو حق است و هرگز از پیش خود سخن نمی‌گویی، تو پیام خدا را بازگو می‌کنی، هر کس در سخنان امروز تو، شک کند، معلوم می‌شود که در پیامبری تو و سخنان دیگر تو هم شک دارد، چنین کسی راه شیطان را می‌پیماید و سرانجامش چیزی جز آتش جهنم نیست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حَبَانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، مَتَأْتِي مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ، وَلَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ. لَهُ الْحَمْدُ مِمَّنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ، عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ. مَعَاشِرَ
النَّاسِ! فَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي، مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَى. بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ
الرِّزْقَ، وَ بَقِيَ الْخَلْقُ.

برای ما می‌گویی که جانشینی علی علیه السلام هدیه بزرگ خدا به توست. ولایت
علی علیه السلام، لطف خداست. خدا با این کار بر تو ممت نهاده است، برای همین او را
ستایش می‌کنی و به یگانگی او شهادت می‌دهی و او را به خاطر این لطف و
احسانش، سپاس بی‌پایان می‌گویی و در همه حال او را شکر می‌کنی.
از مردم می‌خواهی تا علی علیه السلام را از دیگران برتر بدانند زیرا او پس از تو، بهترین
انسان‌هاست و هیچ‌کس به مقام و جایگاه او نمی‌رسد.

اکنون از راز مهمی پرده برمی‌داری، همه باید بدانند که اگر خدا باران نازل می‌کند
به خاطر تو و علی علیه السلام است! اگر برکت و رحمت خویش را بر بندگان نازل می‌کند و
به آنان روزی می‌دهد به خاطر شماست. شما واسطه فیض خدا هستید، خدا
جهان را به برکت وجود شما آفرید.

وقتی من این سخن را می‌شنوم، به فکر فرو می‌روم، تو این راز را آشکار می‌کنی
تا مردم بدانند ولایت علی علیه السلام چیزی بالاتر از حکومت است، خیلی‌ها در این دنیا
حکومت می‌کنند، ولی حکومت کجا و ولایت کجا؟

درست است که خدا دوست دارد علی علیه السلام حاکم جامعه باشد، ولی این پله اوّل
است، ولایت بالاتر از این حرف‌هاست.

ولایت یعنی فرمانروایی بر همه جهان!

هر قطره بارانی که نازل می‌شود به برکت ولایت است، بدون اجازه صاحب
ولایت، بارانی نازل نمی‌شود، آفتابی طلوع نمی‌کند، شبی روز نمی‌شود و روزی

هم شب نمی شود...

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ، مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ، أَلَا إِنَّ
جَبْرِيْلَ، حَبْرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ، وَيَقُولُ: "مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ
فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي" فَلْتَنْظُرْ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ
فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

تو می دانی که خط نفاق برای دشمنی با علی علیه السلام برنامه ریزی کرده است، آنان
بغض علی علیه السلام را به سینه دارند، زیرا آنان پیرو شیطانند و می خواهند تاریکی بر
جامعه سلطه پیدا کند، آنان با نور مخالفاند. آنان نماز می خوانند و خود را مسلمان
معرفی می کنند اما با علی علیه السلام دشمنی می کنند. باید به آنان هشدار بدهی، کسی که
هزاران سال نماز بخواند ولی با علی علیه السلام دشمنی بکند، از درگاه خدا دور است، زیرا
راه شیطان را رفته است.

تو از دشمنی های منافقان با علی علیه السلام خبر داری، برای همین چنین می گویی:
«لعنت خدا بر کسی که سخن امروز مرا نپذیرد و با آن مخالفت کند».
آری، امروز جبرئیل این پیام خدا را برای تو آورده است، پیام خدا این است: «هر
کسی که با علی علیه السلام دشمنی کند و ولایتش را نپذیرد به لعنت و خشم من گرفتار
می شود».

برای مردم می گویی که چگونه با این انتخاب خود، سرنوشت خود را می سازند.
اگر ولایت علی علیه السلام را بپذیرند رستگارند و اگر با ولایت او دشمنی کنند به خشم خدا
گرفتار می شوند.

آری، همه باید از خدا بترسند و هرگز با ولایت علی علیه السلام دشمنی نکنند. هر کس
خود را اهل ایمان می داند باید به هوش باشد و بداند که دشمنی با علی علیه السلام ایمان را

نابود می‌کند، خدا از همه چیز آگاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ تَعَالَى: «أَنْ تَقُولَ
نَفْسٌ، يَا حَسْرَتِي، عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ».

اکنون از آیه ۵۶ سوره زمر یاد می‌کنی و به مردم می‌گویی که علی علیه السلام همان
«جَنْبُ اللَّهِ» است، قرآن در این آیه همه انسان‌ها را به توبه دعوت می‌کند تا مبادا
کسی در روز قیامت دچار حسرت و پشیمانی شود، در آن روز عده‌ای چنین
می‌گویند: «افسوس که در جَنْبُ اللَّهِ کوتاهی کردم».

به راستی منظور از «جَنْبُ اللَّهِ» چیست؟ «جَنْبُ اللَّهِ» را می‌توان در فارسی به
معنای «راه خدا» ترجمه کرد. در روز قیامت کافر آرزو می‌کند کاش در راه خدا
کوتاهی نمی‌کرد.

راه خدا چیست؟

همان راه ولایت علی علیه السلام!

هر کس ولایت علی علیه السلام را قبول نکند، روز قیامت حسرت خواهد خورد. آری، راه
امامت، ادامه راه توحید و نبوت است، این امامت است که در هر زمانی حق را از
باطل جدا می‌کند، هر کس از این راه روی برگرداند، بر باطل است و هرگز
سعادت‌مند نخواهد شد.

این آیه از کسانی سخن می‌گوید که افسوس می‌خورند چرا در راه اطاعت خدا
کوتاهی کردند. راه اطاعت خدا از راه ولایت علی علیه السلام می‌گذرد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَّبَّرُوا الْقُرْآنَ، وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَلَا
تَتَّبِعُوا مَتَشَابِهَهُ.

تو می‌دانی که در آینده منافقان به اسم قرآن سعی خواهند کرد با حق دشمنی

کنند، آنان آیه‌های قرآن را آن‌طور که به نفعشان است معنا خواهند کرد و با این کار، مردم را فریب خواهند داد.

اکنون تو از مردم می‌خواهی تا در قرآن اندیشه کنند و فقط به آیاتی توجه کنند که معنای واضح و روشن دارند. در قرآن آیاتی هست که چند معنا دارند یا مفهوم آن‌ها واضح و روشن نیست، مردم باید مراقب باشند و تا زمانی که معنای واقعی آن آیات را درک نکرده‌اند از آن آیات پیروی نکنند.

قرآن آیاتی دارد که نیاز به توضیح دارد تا معنای اصلی آن‌ها آشکار شود، به راستی وقتی تو از میان ما بروی چه کسی می‌تواند این کار را برای ما انجام بدهد؟ ما در فتنه‌هایی که به نام آیه‌های قرآن در جامعه شکل می‌گیرد به که پناه ببریم؟ آقای من! این نگرانی ما را برطرف کن! راه را برای ما آشکار ساز تا به اسم قرآن فریب سیاه‌اندیشان را نخوریم!

قَوْلَ اللَّهِ، لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ، وَلَا يُوضِحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ، إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِبَيْدِهِ، وَ مُضَعِدُهُ إِلَيَّ، وَ سَائِلُ بَعْضِدِهِ، وَ مُعَلِّمُكُمْ أَنَّنَا: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي، وَ وَصِيِّي، وَ مَوْلَاتُهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَنْزَلَهَا عَلَيَّ."

علی علیه السلام در کنار توست، مردم روبروی تو ایستاده‌اند، تو دست علی علیه السلام را در دست می‌گیری و آن را بالا می‌آوری و چنین می‌گویی: «به خدا قسم! فقط این کسی که دست او را بالا گرفته‌ام می‌تواند حقیقت قرآن و معنای حقیقی آن را برای شما بازگو کند».

آری، تو علی علیه السلام را این‌گونه به همه نشان می‌دهی تا بعد از آن، کسی دچار تردید نگردد و فریاد برمی‌آوری: «هر کس من مولا و آقای او هستم، این علی مولا و

آقای اوست. این علی بن ابی طالب، برادر و جانشین من است، خدا دستور داده است تا شما ولایت او را بپذیرید».

وقتی سخن تو به اینجا می‌رسد، بار دیگر، نسیم آرامش همه وجود مرا می‌گیرد، حالا دیگر من راه را بهتر می‌شناسم، دیگر هراس از فتنه‌ها ندارم، من راه را از چاه تشخیص داده‌ام، فهمیدم که قرآن را باید علی علیه السلام معنا کند، آن معنای قرآنی که از علی علیه السلام جداست، ارزشی ندارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي، هُمُ الثَّقَلُ الْأَعْزَمُ، وَ الْقُرْآنُ،
الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ. فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ، وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا، حَتَّى
يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمْ، أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ حُكَمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.

اکنون از امامانی که بعد از علی علیه السلام می‌آیند سخن می‌گویی، یازده امامی که از نسل اویند، آنان همه معصوم هستند و از هر گناهی به دورند.

تو دو یادگار ارزشمند از خود به جای می‌گذاری: یادگار اول تو قرآن است، یادگار دوم تو علی علیه السلام و فرزندان معصوم او هستند. قرآن یادگار بزرگ‌تر است و آنان یادگار کوچک‌ترند. آنان معنای قرآن را نشان می‌دهند، قرآن هم آنان را به مردم معرفی می‌کند. قرآن کتابی است که هر کس حقیقت آن را دریابد راه علی علیه السلام و فرزندان او را می‌پیماید.

آری، قرآن و اهل بیت علیهم السلام همیشه در کنار یکدیگر هستند و هرگز از هم جدا نمی‌شوند. این همراهی، تا روز قیامت ادامه دارد و تو در آن روز، آن‌ها را کنار حوض کوثر ملاقات می‌کنی.

آری، قرآن و اهل بیت، امین خدا در میان مردم هستند و به حق و حقیقت حکم می‌کنند.

أَلَا وَقَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ
 اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ، وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ
 أَخِي هَذَا، وَلَا تَجَلُّ إِمْرَةٌ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

به مردم خبر می‌دهی که تو وظیفه خود را انجام دادی. آنان شاهد بودند که تو
 پیام خدا را رساندی و دستور خدا را بیان کردی. تو جانشین خود را آشکارا معرفی
 نمودی. سخنان تو از طرف خدا بود، همان خدایی که بلندمرتبه است. او به تو
 دستور داد تا این سخنان را بگویی و تو اطاعت کردی.
 دیگر وقت آن است که به مردم بگویی فقط علی است که «امیرمؤمنان» است.
 هیچ‌کس دیگر را به این نام نخوانید. این لقب، مخصوص علی علیه السلام است. او آقای
 اهل ایمان است.

فصل پنجم: دوازده خورشید

ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضُدِهِ، فَرَفَعَهُ، وَكَانَ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ، شَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ، مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي، وَوَصِيِّي، وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالدَّاعِي إِلَيْهِ، وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ، وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ؛ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِمَامُ الْهَادِي، وَ قَاتِلُ النَّكَثِيِّينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.

اکنون تو بازوی علی علیه السلام را می‌گیری و او را از زمین بلند می‌کنی تا همه او را به خوبی ببینند و سپس چنین می‌گویی: «ای مردم! این علی، برادر و جانشین من است. من همه دانش خود را به او سپرده‌ام. وقتی من از میان شما رفتم اوست که تفسیر قرآن را می‌داند و شما را به حقیقت قرآن فرا می‌خواند. او هر کاری را که خدا راضی است، انجام می‌دهد و با دشمنان خدا می‌جنگد. او شما را در راه بندگی خدا یاری می‌کند و از گناه و معصیت باز می‌دارد. او جانشین من است، او

امیرمؤمنان و پیشوای هدایتگر است. او با پیمان شکنان، ستم پیشگان و منحرفان پیکار خواهد کرد».

أَقُولُ: " مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ. " بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ: " اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْعَنَ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَاعْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّه. " اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ، أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي، لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ، عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ، وَنَصْبِي إِسَاءَهُ، بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ، وَأَنْمَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ، وَرَضَيْتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، فَقُلْتَ: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا، فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا، أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

اکنون می‌خواهی دعا کنی، زیرا خدا به تو دستور داده است که امروز او را این چنین بخوانی، پس دست به دعا برمی‌داری و چنین می‌گویی:

خدایا! از تو می‌خواهم هر کس که علی را دوست بدارد تو او را دوست بداری، و کسی را که با علی دشمنی کند، دشمن بداری!

خدایا! کسی که امامت و ولایت او را نپذیرد لعنت کن و بر کسی که حق او را انکار نماید، خشم بگیر!

خدایا! تو علی را به عنوان امام برگزیدی و از من خواستی تا پیام تو را بیان کنم، وقتی من سخن تو را برای این مردم گفتم تو این آیه را نازل کردی: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم و راضی شدم که اسلام، دین شما باشد».

خدایا! تو خودت در قرآن چنین گفتی: «هر کس غیر از اسلام، دین دیگری را برای خود انتخاب کند، آن دین از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود».

خدایا! تو شاهد باش که من پیامت را به مردم رساندم و تو برای گواه بودن، کافی هستی!

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ، وَبِمَنْ يَتُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ، وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ.

آری، خدا دین را با امامت علی علیه السلام کامل کرد و امامت تا روز قیامت ادامه دارد، پس از علی علیه السلام، امامت در فرزندان او ادامه می‌یابد. (یازده امامی که همه از نسل علی علیه السلام هستند و فرزندان دختر تو می‌باشند). آنان یک به یک تا روز قیامت، امام خواهند بود. وای به حال کسانی که از امامان معصوم پیروی نکنند، چنین کسانی به عذاب خدا گرفتار می‌شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُكُمْ لِي، وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّاهُ فِيهِ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَجَّةِ، فِي "هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَّهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ، وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

علی علیه السلام همواره یار و یاور تو بوده است، هیچ کس غیر از او شایستگی آن را ندارد که جانشین تو باشد، او از همه به تو نزدیک‌تر است. هیچ کس به اندازه او برای تو عزیز نیست.

خدا و تو از علی علیه السلام راضی هستید، وقتی قرآن می‌خوانیم و به آیه‌هایی می‌رسیم که خدا می‌گوید: «من از مؤمنی راضی هستم»، باید بدانیم که آن آیه درباره

علی علیه السلام نازل شده است.

در هر جای قرآن که خدا درباره مؤمنان و مقام آنان سخن می‌گوید، آن آیه درباره علی علیه السلام هم هست، زیرا علی علیه السلام، امیر مؤمنان است. هر آیه‌ای که خدا در آن، از گروهی به نیکی یاد می‌کند، آن آیه درباره علی علیه السلام هم هست. خدا سوره «هَلْ أَتَى» را در حق علی علیه السلام نازل کرد و در آن سوره خدا گواهی داد که علی علیه السلام از اهل بهشت است. آری، خدا در آن سوره از خوبی‌های علی علیه السلام سخن گفت و او را ستود.

* * *

آقای من! در اینجا از سوره «هَلْ أَتَى» یاد کردی که آن را به نام «سوره انسان» هم می‌شناسند، چه رمز و رازی در این سوره است؟ ماجرای این سوره چیست؟ سال‌ها پیش، یک بار حسن و حسین علیهما السلام مریض شدند، علی و فاطمه علیهما السلام نذر کردند که اگر آنان شفا بگیرند، سه روز روزه بگیرند. خدا حسن و حسین علیهما السلام را شفا داد و زمان ادای آن نذر فرا رسید، روز اول را این خانواده روزه گرفتند. وقت افطار شد، فقیری به در خانه آمد، آنان غذای خود را به او دادند و همگی بر گرسنگی صبر کردند و روز دوم را هم روزه گرفتند. غروب روز دوم، کنار سفره افطار نشسته بودند که یتیمی در خانه را زد و تقاضای غذا کرد، آنان غذا را به او دادند و با گرسنگی، آن شب را سحر کردند. روز سوم را هم روزه گرفتند در حالی که مدت‌ها بود چیزی نخورده بودند، غروب روز سوم، اسیری به در خانه آمد، آنان غذای خود را به آن اسیر دادند. اینجا بود که خدا این سوره را نازل کرد. این سوره درباره علی علیه السلام و اهل خانه اوست، در این سوره چنین می‌خوانیم: «اهل بهشت کسانی هستند که به نذر خود وفا می‌کنند و از روز قیامت در هراس هستند

و غذای خود را به فقیر و یتیم و اسیر می‌دهند در حالی که خودشان به آن نیازمند هستند، آنان این کار را به خاطر خدا انجام می‌دهند و هرگز انتظار پاداش و سپاس را از دیگران ندارند... و خدا هم به آنان بهشت خویش را ارزانی می‌دارد...».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ، وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ
التَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَ بَنُوهُ خَيْرُ
الْأَوْصِيَاءِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

علی یاور دین خداست. او از تو دفاع می‌کند، او از هر گناهی به دور است و دیگران را به سوی حق هدایت می‌کند، او از طرف خدا هدایت شده است. مردم باید بدانند که تو بهترین پیامبران هستی و جانشین تو، بهترین جانشینان است. فرزندان علی علیه السلام، بهترین اوصیاء هستند.

خاندان هر پیامبری از نسل خودش بوده‌اند، اما خاندان تو از نسل علی علیه السلام می‌باشند، حسن و حسین علیهما السلام که اکنون در این اجتماع بزرگ روز غدیر حاضرند، فرزندان دختر تو و پسران علی علیه السلام می‌باشند. حسن و حسین علیهما السلام (و نه امامی که از نسل حسین علیه السلام هستند) فرزندان تو هستند. خدا آنان را برگزیده است و به آنان مقام امامت را عطا کرده است.

فصل ششم: امید به آینده

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ، أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ، فَتَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ، وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ. فَإِنَّ آدَمَ، أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ.

اکنون از ماجرای آدم علیه السلام و حسادتی که شیطان به او ورزید سخن می‌گوییم، وقتی شیطان دید آدم علیه السلام در بهشت در کمال آسایش است، به او حسد ورزید و کاری کرد که او از بهشت رانده شد، آری، حسادت شیطان باعث شد که او با آدم علیه السلام دشمنی کند. اگر این حسد نبود شیطان از درگاه خدا رانده نمی‌شد.

تو اکنون به همه هشدار می‌دهی تا مبدا به علی علیه السلام حسادت بورزند، زیرا این حسادت باعث می‌شود همه کارهای خوب آنان از بین برود و از راه راست منحرف شوند.

آدم علیه السلام فریب وسوسه شیطان را خورد و خدا او را از بهشت خارج کرد، او برگزیده خدا بود ولی خدا این‌گونه با او رفتار کرد، زیرا او به سخن شیطان گوش فرا داد، اگر دیگران خطا کنند، چه خواهد شد؟ اگر کسی امروز به وسوسه شیطان گوش دهد و

با علی علیه السلام دشمنی کند، خدا با او چگونه رفتار خواهد کرد؟

وَمِنْكُمْ أَعدَاءُ اللَّهِ؟ إِنَّهُ لَا يُبغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ

تو می‌دانی که عده‌ای با علی علیه السلام دشمن هستند و به او حسادت می‌ورزند و می‌خواهند آتش فتنه بزرگی برافروزند، برای همین برای مردم می‌گویی که هر کس کینه علی علیه السلام را به دل دارد، راه بدبختی را می‌پیماید و هر کس از علی علیه السلام پیروی کند و او را دوست بدارد، از پرهیزکاران است و به رستگاری می‌رسد. به راستی چه کسانی راه علی علیه السلام را می‌پیمایند؟ چه کسانی به ولایت او ایمان می‌آورند؟

خود تو جواب این سؤال را این چنین می‌دهی: «فقط مؤمنی که به مرحله اخلاص رسیده است به ولایت علی علیه السلام ایمان می‌آورد»، کسی که فقط به خاطر خدا، ایمان آورده است، به راحتی ولایت علی علیه السلام را قبول می‌کند، اما کسی که دین را ابزاری برای رسیدن به ثروت، پست و مقام می‌داند، اخلاص ندارد، او سرانجام ولایت دیگران را بر ولایت علی علیه السلام برتری می‌دهد و راه شیطان را انتخاب می‌کند.

و فِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ.﴾

اکنون از سوره «عصر» سخن می‌گویی و به همه اعلام می‌کنی که این سوره درباره علی علیه السلام نازل شده است. قرآن در این سوره چنین می‌گوید: «به نام خداوند بخشنده و مهربان! سوگند به روزگاری که سپری می‌شود انسان‌ها در خسران

می‌باشند، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل نیک انجام دهند و یکدیگر را به طرفداری از حق سفارش کنند و یکدیگر را به صبر فراخوانند». آری، کسانی که به ولایت علی علیه السلام ایمان آورند و عمل نیک انجام دهند و به حق و صبر سفارش کنند از خسران نجات پیدا کرده‌اند، اما کسانی که راه علی علیه السلام را نپیمایند در خسران دائمی هستند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي، وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».

بار دیگر خدا را شاهد می‌گیری که رسالتی را که به دوش داشتی انجام دادی و پیام او را بازگو کردی. وظیفه تو فقط این است که حق را آشکار و روشن سازی، خدا از تو نخواست است به زور مردم را باایمان کنی.

از همه می‌خواهی تا تقوای حقیقی پیشه کنند و به راستی پرهیزکار باشند. این برنامه چگونه زیستن است، زندگی با تقوا، اما تو چگونه مردن را هم به ما می‌آموزی تا به فکر عاقبت به خیری خود هم باشیم، مثل یک مسلمان زندگی کنیم و مثل یک مسلمان بمیریم، مسلمان واقعی کسی است که تسلیم فرمان خدا و فرمان توست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ»، «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُّدَّهَا عَلَىٰ آدْبَارِهَا». مَعَاشِرَ النَّاسِ! التَّوْرَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فِي مَسْئَلِكُ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ، وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً، عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِبِينَ وَالْآثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ،

مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

اکنون برای مردم آیه ۱۵۷ سوره اعراف را می‌خوانی، قرآن در این آیه چنین می‌گوید: «ای مردم! به خدا و رسول خدا و نوری که به همراه او نازل شده است، ایمان بیاورید». بعد از آن هشدار می‌دهی که هر کس به خدا و تو و نوری که با تو نازل شده است ایمان نیاورد در روز قیامت به عذاب گرفتار خواهد شد، در آن روز، فرشتگان، چهره کافران را تغییر می‌دهند، این نشانه‌ای برای آنان است.

همه می‌خواهند بدانند ماجرای آن نور چیست که با تو نازل شده است. اینجاست که سخن خود را چنین ادامه می‌دهی: «ای مردم! خدا نور خودش را همراه من نازل کرد، بعد از من، این نور همراه علی علیه السلام خواهد بود و پس از علی در یکایک امامان قرار می‌گیرد تا آنجا که به آخرین جانشین من که قائم است، می‌رسد. بدانید که قائم ما، مهدی علیه السلام نام دارد. او همان کسی است که حق خدا و حق ما اهل بیت را از دشمنان می‌ستاند. ما حجت خدا بر همه هستیم».

آری، این سخن نشان می‌دهد که خدا هرگز انسان‌ها را بدون امام رها نمی‌کند. این راه ادامه دارد.

تو از مهدی علیه السلام نام بردی، همان که آخرین امام است، او نور خدا در روی زمین است، تو از همه می‌خواهی که به مهدویت ایمان بیاورند. تو به همه خبر می‌دهی که سرانجام او می‌آید و به ظلم و ستم‌ها پایان می‌بخشد. تو این‌گونه امید را در جامعه بارور می‌سازی.

بذر امیدی را که تو امروز در دل‌ها کاشتی، درخت تنومندی می‌شود. باور به مهدویت، نجات‌بخش جامعه از ناامیدی‌هاست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنْذِرْكُمْ، أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ

أَوْ قُتِلْتُ، انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟ ﴿وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ ﴿الْأَوْ إِنَّا عَلِيًّا هُوَ الْمُؤْصَفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ﴾.

تو فرستاده خدا بودی و آمده بودی تا پیام خدا را به ما برسانی، قبل از تو هم پیامبران زیادی بوده‌اند و اکنون همه آنان از این دنیا رفته‌اند، تو هم به زودی از میان ما می‌روی، اکنون چنین می‌گویی: «ای مردم! اگر من از میان شما بروم، آیا به دوران جاهلیت بازمی‌گردید؟ اگر از اسلام دست بردارید به خدا هیچ ضرری نمی‌رسد، این خود شما هستید که ضرر می‌کنید و از سعادت دور می‌شوید. خدا به کسانی که شکر نعمت او را به جا آورند پاداش نیکو می‌دهد، شکرگزار این نعمت ایمان باشید و کفران نعمت نکنید».

آری، ما باید در سختی‌ها صبر پیشه سازیم و شکر نعمت اسلام را به جا آوریم، باید از علی علیه السلام و امامان بعد از او پیروی کنیم که خدا «صبر بر سختی‌ها» و «شکر بر نعمت‌ها» را به آنان ارزانی داشته است و ما هم باید همانند آنان باشیم.

فصل هفتم: دورنمای فتنه

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ، فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ، فَيُصِيبَكُمْ
بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ، إِنَّهُ لَبَالِيمٌ صَادٍ.

تو می‌دانی که منافقانی که در میان مردم به عنوان مسلمان جا باز کرده‌اند می‌خواهند مردم را با سخنان خود فریب بدهند، آنان می‌خواهند به مردم چنین بگویند: «ما بودیم که زودتر از دیگران مسلمان شدیم و رنج زیادی برای پیروزی اسلام کشیدیم... پس ما نیز شایستگی این را داریم که جانشین پیامبر بشویم»، آنان با این سخنان در واقع می‌خواهند بر خدا مَنّت بنهند!!

تو فرصت را غنیمت می‌شماری و مطلب مهمی را بیان می‌کنی: «ای مردم! هیچ‌کس نباید به خاطر مسلمانی‌اش بر خدا مَنّت بگذارد، این خداست که بر شما مَنّت نهاده است و راه هدایت را برای شما آشکار کرده است و شما را از تاریکی‌ها نجات داده است. هر کس بر خدا مَنّت بگذارد، به غضب خدا گرفتار می‌گردد و خدا در کمین آنان است تا به خاطر این گناه آنان را عذاب کند».

آری، اکنون مردم می‌دانند کسی که بخواهد در مقابل تلاش‌هایش بر خدا منت بگذارد به خشم خدا گرفتار می‌شود، تو با این سخن، نقشه آن منافقان را نقش بر آب کردی!

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ، فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، وَ لَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.

خدا بر همه چیز آگاه است و از رفتار و کردار بندگان خبر دارد، خدا به تو خبر داده است که وقتی از میان ما بروی، فتنه‌ها شعله‌ور می‌شود و کسانی می‌آیند و خود را به عنوان «امام» معرفی می‌کنند در حالی که خدا آنان را امام قرار نداده است! آنان مردم را فریب می‌دهند و به مردم می‌گویند ما شما را به سوی بهشت می‌بریم، اما آنان دروغ می‌گویند، آنان مردم را به سمت جهنم می‌برند، باید بدانم اگر از آنان اطاعت کنم جایگاهم آتش جهنم خواهد بود و کسی هم به فریادم نخواهد رسید و مرا نجات نخواهد داد.

خدا از کسانی که ادعای امامت می‌کنند، بیزار است، تو نیز از آن‌ها بیزار می‌باشی! جایگاه آنان، سخت‌ترین درجه جهنم است و در آتش جاودان خواهند سوخت. تو از این فتنه‌ها پرده برمی‌داری، به مردم هشدار می‌دهی تا مبادا از این امامان دروغین پیروی کنند، هر کس امام دروغگویی را یاری کند و یا از او پیروی نماید در آتش جهنم به همراه او خواهد سوخت و به راستی که آنان چه جایگاه سختی در جهنم دارند!

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ، قَالَ: فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ، إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرَ الصَّحِيفَةِ.

تو از فتنه‌ها خبر داری، می‌دانی که عده‌ای از همین کسانی که در صف اول نماز حاضر می‌شوند دور هم جمع شده‌اند و مخفیانه، پیمان‌نامه‌ای نوشته‌اند. به راستی چه کسانی بعد از تو، ادعای امامت خواهند کرد و مردم را به سوی جهنم خواهند برد؟ همان کسانی که آن پیمان‌نامه را نوشتند. همان کسانی که «اصحاب صحیفه» می‌باشند. (در زبان عربی به پیمان‌نامه، «صحیفه» می‌گویند). چنین می‌گویی: «ببینید نام کدام یک از شما در آن پیمان‌نامه است!». وقتی این سخن را گفتم خیلی‌ها متوجه نشدند که منظور تو چیست، زیرا آن پیمان‌نامه، رازی مخفی میان دوازده نفر بود، اما آن منافقانی که آن پیمان‌نامه را امضا کرده بودند می‌دانستند که تو از چه سخن می‌گویی!

* * *

در اینجا می‌خواهم از «اصحاب صحیفه» بیشتر بنویسم: وای بر این اصحاب صحیفه که این مردم را به سوی گمراهی می‌برند! امروز روز غدیر است، هجدهم ماه «ذی‌الحجه». چند روز قبل، دوازده نفر از منافقان در داخل کعبه دور هم جمع شدند. عرب‌ها رسمی داشتند که پیمان‌های مهم خود را می‌نوشتند و آن را در کعبه قرار می‌دادند. منافقان برای این که مطمئن باشند که همه به این پیمان عمل می‌کنند، در داخل کعبه این‌گونه پیمان بستند، سپس پیمان‌نامه خود را در گوشه‌ای از کعبه زیر خاک مخفی کردند. پیمان آنان این بود که هر وقت تو از دنیا رفتی، فرصت را غنیمت بشمارند و

همه با هم متحد باشند و فتنه‌ای بزرگ بر پا کنند. آری، آن دو نفری که بعد از تو به حکومت رسیدند، در جمع همین افراد بودند.

آنان با هم پیمان بستند تا بعد از تو، «آن دو نفر» حکومت را در دست بگیرند و حقّ علی علیه السلام را غصب کنند و مظلومیت او را رقم بزنند...

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِيبِي، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَقَدْ
بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ،
مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلْدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرِ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدَ
الْوَالِدَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

اکنون تو برای همه می‌گویی که «امامت»، عهدی آسمانی است. این امت، دوازده امام دارد، علی علیه السلام اولین آنها است و یازده امام دیگر همه فرزندان علی علیه السلام و همچنین از نسل تو می‌باشند (آنان فرزندان دختر تو هستند)، تو امامت را هم چون میراثی گران‌بها در نسل خود، به امانت می‌گذاری.

تو همه آنچه را که باید می‌گفتی، بیان کردی، و حجت را بر همه تمام کردی، سخن تو فقط برای این جمع حاضر نیست، روی سخن تو با همه مسلمانان در طول تاریخ است، چه نسل امروز و چه نسل‌های آینده! همه انسان‌های تاریخ، مخاطب کلام تو می‌باشند.

کسانی که امروز در این جمع حاضرند وظیفه‌ای مهم دارند، آنان باید پیام امروز تو را به کسانی که در اینجا حاضر نبودند برسانند. آری، بر همه پدران لازم است که نسل به نسل، تا روز قیامت، فرزندانشان را از این سخنان تو آگاه کنند.

* * *

تو از همه خواستی که پیام تو را به دیگران برسانند. به راستی من کجا ایستاده‌ام؟ چقدر به این سخن تو عمل کرده‌ام؟ آیا پیام‌رسان غدیر بوده‌ام؟ آقای من! مرا ببخش اگر کوتاهی کردم! خودت می‌دانی که کوتاهی من از روی غفلت بود، مرا ببخش! من با تو عهد می‌بندم که گذشته را جبران کنم و تا آنجا که توان دارم پیام‌رسان غدیر باشم! خودت می‌دانی که چقدر دوست دارم گذشته‌ام را جبران کنم.

وَسَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعْنُ اللَّهِ الْعَاصِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا
سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ، فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ، فَلَا
تَنْتَصِرَانِ.

اکنون به مردم هشدار می‌دهی که بعد از رفتن تو، عده‌ای این مقام امامت را غصب می‌کنند و آن را به تاج و تخت پادشاهی تبدیل می‌کنند! آنان ادعا می‌کنند امام هستند در حالی که دروغ می‌گویند، خدا آنان را لعنت می‌کند، هر کس که آنان را یاری نماید خدا او را هم لعنت می‌کند.

تو خبر می‌دهی که وقتی عده‌ای به دروغ ادعای امامت بکنند، بلاها، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بر این امت از آسمان نازل می‌شود.

کسانی که امام دروغین می‌شوند همراه با پیروان خود، به عذاب سختی گرفتار می‌شوند، شعله آتش در انتظار آنان است، هر کس امام دروغگویی را یاری کند به چنین سرنوشتی گرفتار می‌شود، وقتی او در جهنم گرفتار شد هیچ‌کس او را یاری نمی‌کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، لَمْ يَكُنْ يَدْرُكُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، حَتَّى يَمِيزَ

الْحَيِّثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

آقای من! سوآلی ذهن مرا درگیر کرده است، به من اجازه بده سوآلم را بپرسم: تو از فتنه‌ها سخن گفتی، از کسانی که می‌خواهند حقّ علی علیه السلام را غصب کنند و امام دروغین بشوند، خدا که قدرت بر انجام هر کاری دارد، پس چرا دشمنان علی علیه السلام را نابود نمی‌کند؟ چرا منافقان را از بین نمی‌برد؟

جواب تو چند جمله بیشتر نیست: «خدا انسان‌ها را به حال خود رها نمی‌کند، او با امتحان و آزمایش، خوبان را از گناهکاران جدا می‌کند، و شما را به اسرار خود آگاه نمی‌کند.»

وقتی این سخن تو را می‌شنوم می‌فهمم که همه کارهای خدا از روی حکمت است. او قدرت دارد که دشمنان علی علیه السلام را نابود کند، اما حکمت خدا چیز دیگری است. خدا انسان را مختار آفرید و به او اختیار داد تا خودش راهش را انتخاب کند، عظمت انسان در همین انتخاب کردن اوست. خدا دوست ندارد که انسان‌ها به زور و اجبار، راه حقّ را بروند.

این قانون خداست، انسان باید خودش، راه را برگزیند، آری، خدا زمینه هدایت را فراهم می‌کند، این انسان است که باید انتخاب کند. حکمت خدا این را می‌گوید. خدا می‌خواهد خوبان از گناهکاران جدا شوند، پس باید زمینه امتحان فراهم باشد، اگر خدا همه منافقان را نابود کند، پس مردمی که ادّعی ایمان می‌کنند چگونه امتحان بدهند؟ امروز خیلی‌ها ادّعی ایمان می‌کنند، اما وقت امتحان معلوم می‌شود که چند نفر واقعاً مؤمن‌اند. آری، نباید زمینه امتحان را از بین برد! باید امتحان پیش بیاید تا منافقان از صف مؤمنان خارج شوند، بهشت زیبا جای آن

منافقان نیست، منافقان باید حقیقت خود را آشکار سازند و بر همگان معلوم شود که آنان پیرو شیطانند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهِ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ
الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ، كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى، وَهَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ، وَهُوَ
مَوَاعِيدُ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَصْدُقُ مَا وَعَدَهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ
الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَلَمْ
نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ؟ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ
لِّلْمُكَذِّبِينَ﴾

اکنون برای مردم می‌گویی: «هر قومی که آیات خدا را دروغ بشمارد یا ستمکاری
پیشه کند، خدا آن قوم را به هلاکت می‌رساند. این علی، امام و مولای شماست.
اگر قومی بر او ظلم کند، خدا آن قوم را هلاک می‌کند، این وعده خداست و خدا از
وعده‌اش تخلف نمی‌کند».

آری، بیشتر اقوامی که قبل از این روی زمین زندگی می‌کردند، راه گمراهی را
برگزیدند و خدا هم آنان را هلاک نمود، کسانی که بعد از این می‌آیند و راه گمراهی
را برمی‌گزینند، به همان سرنوشت دچار خواهند شد.

قرآن در آغاز سوره «مرسلات» در این باره می‌گوید که خدا نخستین کافران را
نابود کرد، وقتی قوم نوح علیهم‌السلام بر کفر خود اصرار ورزیدند خدا طوفانی فرستاد و همه
کسانی که نوح علیهم‌السلام را دروغگو می‌پنداشتند، غرق شدند، بعد از آنان، کافران دیگر
نابود شدند (قوم عاد، قوم ثمود، قوم لوط). خدا گناهکاران را کیفر می‌دهد و آنان را
به عذاب سخت گرفتار می‌سازد، وای بر حال آنان در روز قیامت!

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ
وَالنَّهْيَ، مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ. فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَأَنْتَهُوا
لِنَهْيِهِ تَوْشِدُوا، وَصِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَلَا تَتَفَرَّقَ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

آنچه که برای هدایت و نجات ما لازم است خدا به تو گفته است و تو همه آن‌ها را به علی علیه السلام گفته‌ای، این علی علیه السلام است که از دستورات خدا آگاهی دارد، اکنون از ما می‌خواهی تا به سخن او گوش دهیم تا از گمراهی‌ها در امان بمانیم، اگر ما از او پیروی کنیم هدایت می‌شویم. ما باید هر چه را که او از ما می‌خواهد انجام دهیم، باید به هوش باشیم، نباید بگذاریم که فتنه‌ها و بیراهه‌ها، ما را از راه علی علیه السلام دور کند. به راستی که راه علی علیه السلام راه رستگاری است.

فصل هشتم: تفاوت دو راه

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ، أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

هر مسلمان در نماز سوره حمد را می‌خواند و هر روز ده بار از خدا می‌خواهد که او را به راه مستقیم هدایت کند، اکنون می‌خواهی درباره راه مستقیم سخن بگویی، پس رو به مردم می‌کنی و می‌گویی: «ای مردم! من راه مستقیم خدا هستم؛ همان راهی که خدا دستور داده است فقط آن را بپیمایید، پس از من، علی علیه السلام راه مستقیم خداست، پس از او، فرزندان من که از نسل اویند راه مستقیم خدایند. آنان امامانی هستند که شما را به سوی حق راهنمایی می‌کنند و از گمراهی نجات می‌دهند».

* ثُمَّ قَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.» وَقَالَ: فِيَّ نَزَلَتْ، وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ، وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ،

أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
 الْعَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيِّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ، وَالحَادُونَ وَهُمُ
 الحَادُونَ، وَإِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ، الَّذِينَ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، زُخْرَفَ الْقَوْلِ
 عُزُورًا.

تو سوره حمد را می‌خوانی: «به نام خداوند بخشنده مهربان! خدا را مدح و ستایش می‌کنم که او پروردگار جهانیان است. او بخشنده و مهربان است. صاحب روز قیامت است. خدایا! فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌خواهیم. خدایا! ما را به راه مستقیم هدایت فرما، راه کسانی که به آنان نعمت داده‌ای، ما را از راه کسانی بر آنان خشم گرفته‌ای و از راه گمراهان دور کن!».

اکنون که همه سوره حمد را شنیدند، چنین می‌گویی: «ای مردم! سوره حمد، دربارهٔ من و امامان پس از من نازل شده است و شامل حال آنان می‌شود و به آنان اختصاص دارد. امامانی که بعد از من می‌آیند همان دوستان خدا هستند که هرگز در راه خدا از چیزی نمی‌ترسند و اندوهگین نمی‌شوند. آگاه باشید که آنان حزب خدایند و همیشه پیروزند. بدانید که دشمنان علی علیه السلام بی‌خردانی هستند که گمراهند، دشمنان علی علیه السلام برادران شیطان‌اند و برای گمراهی، سخنانی زیبا و فریبنده به یکدیگر می‌گویند».

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ هُمُ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ، يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
 أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ، وَ
 أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ، وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، خَالِدِينَ فِيهَا،
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾

فرصت را غنیمت می‌شماری، تو می‌خواهی چند آیه‌ای که درباره شیعیان علی علیه السلام است را بخوانی. ابتدا آیه ۲۲ سوره مجادله را می‌خوانی، پیام این آیه این است: در یک دل، دو محبت نمی‌گنجد! من باید یکی را انتخاب کنم: یا محبت خدا یا محبت شیطان! یا محبت شیطان! یا محبت دوستان خدا یا محبت دشمنان شیطان! مؤمنان با دشمنان خدا و دشمنان پیامبر، دوستی نمی‌کنند هرچند آن دشمنان، پدران، پسران، برادران یا اقوام آنان باشند، خدا ایمان را در دل‌های آنان قرار داده است، و آنان را از جانب خود یاری کرده است و در روز قیامت به آنان پاداش بزرگی می‌دهد و آنان را به بهشتی وارد می‌کند که از زیر درختان آن، نهرهای آب جاری است. خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. آنان از حزب خدا می‌باشند و به راستی که حزب خدا، رستگار و سعادت‌مند است.

* * *

آقای من! ممنون تو هستم که این آیه را برای ما خواندی تا ما راه را گم نکنیم. من از این آیه درس مهمی گرفتم، نمی‌شود من ادعا کنم که علی علیه السلام را دوست دارم ولی دشمنان او را هم دوست ندارم! من برای زندگی در این دنیا دو راه بیشتر ندارم، یا باید به حزب خدا بیوندم یا به حزب شیطان. وقتی من از دشمنان آل محمد علیهم السلام بیزار می‌جویم، از شیطان و حزب او و دوستانش بیزار شده‌ام. این آیه از تولّی و تبرّی سخن می‌گوید، تولّی یعنی با دوستان خدا دوست بودن! تبرّی یعنی با دشمنان خدا دشمن بودن! آری، وقتی تولّی و تبرّی در کنار هم باشند، گوهر ایمان شکل می‌گیرد و آن وقت

است که انسان از ایمان واقعی بهره‌مند شده است و جای امیدواری است که او از سرگردانی‌ها نجات یابد و به ساحل امن سعادت برسد.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ، وَهُمْ مُهْتَدُونَ.» أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: «الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ، أَنْ طَبُّنُمْ، فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.» أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.»

برای ما آیه ۸۲ سوره انعام را می‌خوانی تا ما بدانیم که این آیه درباره دوستان علی علیه السلام است، خدا درباره مؤمنان چنین می‌گوید: «آنان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکرده‌اند، آنان در روز قیامت از عذاب در امان هستند و سعادت‌مند خواهند بود.»

سپس آیه ۷۳ سوره زمر را می‌خوانی تا بدانیم این آیه هم درباره دوستان علی علیه السلام است: «آنان کسانی هستند که با آرامش و آسایش، وارد بهشت می‌شوند. فرشتگان به استقبال آن‌ها می‌آیند و به آنان می‌گویند: «خوش آمدید، وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن بمانید.»

سپس آیه ۴۰ سوره غافر را می‌خوانی: «بهشت برای دوستان علی علیه السلام آماده گشته است و آنان در آنجا بی‌حد و اندازه روزی می‌یابند.»

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، يَصِلُونَ سَعِيرًا، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحْجَتَهُمْ شَهيقًا، وَهِيَ تَفْوُّرٌ، وَلَهَا زَفِيرٌ.

اگر یاران علی علیه السلام، دوستان خدایند، پس دشمنان او، دشمنان خدایند، تو از سرانجام زیبای دوستان علی علیه السلام سخن گفتی، اکنون از سرنوشت سیاه دشمنان او

سخن می‌گویی: «ای مردم! بدانید کسانی که با علی علیه السلام دشمنی کنند در روز قیامت به سمت آتش جهنم کشیده خواهند شد، آتشی که می‌جوشد و می‌خروشد. آنان صدای ترسناک و دلخراش جهنم را می‌شنوند و ترس همه وجودشان را فرا می‌گیرد».

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا، حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَ كُورًا فِيهَا جَمِيعًا، قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ، رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا، فَأَتَيْهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ، قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿كُلَّمَا لَقِيَ فِيهَا فَوْجٌ، سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا، أَلَمْ يَا تَيْكُم نَذِيرٌ؟ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ، فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ، إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مَبِينٍ﴾

اکنون آیه ۳۸ سوره اعراف را می‌خوانی تا همه بدانند این آیه درباره دشمنان علی علیه السلام است: وقتی آنان وارد آتش جهنم می‌شوند، هر گروه، گروه دیگر را لعنت می‌کند تا زمانی که همه با ذلت در دوزخ جای می‌گیرند، کسانی که از رهبران باطل پیروی کردند چنین می‌گویند: «بارخدا! این‌ها بودند که ما را به گمراهی کشاندند، از تو می‌خواهیم که عذاب آنان را دو برابر کنی». خدا هم در جواب به آنان می‌گوید: «عذاب هر کدام از شما، دو برابر است ولی شما اندازه و سختی عذاب دیگران را نمی‌دانید».

سپس آیات ۸ تا ۱۱ سوره ملک را می‌خوانی، این آیات نیز درباره دشمنان علی علیه السلام است: هر گروه از آنان که در جهنم قرار می‌گیرند، مأموران جهنم به آنان رو می‌کنند و می‌گویند: «چرا شما به این روز سیاه، افتادید؟ آیا شما راهنما نداشتید؟ آیا کسی نبود که شما را از جهنم بترساند؟»، آنان در جواب می‌گویند:

«بله. ما راهنما داشتیم، پیامبر از طرف خدا آمد و ما را از این عذاب ترساند، ولی ما سخن او را نپذیرفتیم و او را دروغگو خواندیم»، آری، دشمنان علی علیه السلام در روز قیامت اعتراف می‌کنند که حق را شناخته بودند ولی از آن پیروی نکردند، آنان به انتخاب خود، راه شیطان را برگزیدند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ،
مَعَاشِرَ النَّاسِ! سَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ. عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللهُ وَ لَعَنَهُ، وَ
وَلِيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللهُ وَ أَحَبَّهُ.

بار دیگر می‌خواهی از دوستان علی علیه السلام سخن بگویی، آیه ۱۲ سوره ملک را می‌خوانی، آنجا که خدا درباره سرنوشت کسانی که ایمان آوردند و از او بیم داشتند، سخن می‌گوید، همان کسانی که خدا را به چشم ندیدند ولی به او باور داشتند و به پیام‌های او گوش فرا دادند، تو از خطای آنان می‌گذری و پاداشی بزرگ به آنان می‌دهی، بهشتی که زیر درختان آن، نهرهای آب جاری است، جایگاه آنان است.

* * *

بین بهشت زیبای خدا و آتش سوزان جهنم، تفاوت زیادی است. دشمنان علی علیه السلام کسانی هستند که خدا از آنان به بدی یاد نموده و آن‌ها را لعنت می‌کند و دوستان علی علیه السلام کسانی هستند که خدا از آنان به نیکی یاد کرده و آن‌ها را دوست می‌دارد.

به راستی که تفاوت راه از کجا تا به کجاست! تو همه را به بهشت جاودان فرا می‌خوانی تا در سایه نعمت‌های خدا به آرامش همیشگی دست پیدا کنند. راه رسیدن به بهشت، پیروی از علی علیه السلام و فرزندان اوست.

فصل نهم: آخرین موعود

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ، وَ عَلِيٌّ هَادٍ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ.

اکنون به آیه ۷ سوره رعد اشاره می‌کنی، در آنجا خدا از تو می‌خواهد که پیام او را به مردم برسانی و آنان را از عذاب روز قیامت بترسانی، تو وظیفه نداری که همه را به اجبار مؤمن کنی، وظیفه تو تنها رساندن پیام خداست و بس! فقط تو نیستی که این وظیفه را داری، خدا در همهٔ زمان‌ها برای هر قومی، راهنمایی قرار داده است.»

منظور از «راهنما» در این آیه، علی علیه السلام است، تو پیامبر خدایی و علی علیه السلام جانشین تو و راهنمای این امت است.

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشِّرْكِ. أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

سخن خویش را این چنین ادامه می‌دهی: «ای مردم! بدانید که مهدی علیه السلام آخرین

امام است. او از ماست. او قیام خواهد کرد. او بر همه دین‌ها پیروز می‌شود، او از ستمگران انتقام می‌گیرد، او قلعه‌های کفر و ستم را فتح می‌کند و آن‌ها را در هم می‌کوبد، او گروه‌های مشرکان را نابود می‌کند، او می‌آید و انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد».

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ، وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْمُنْتَبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

«بدانید مهدی علیه السلام یاور دین خداست. او از دریای بی‌انتهای دانش، بهره دارد و به هر کس به اندازه‌ی فضیلت و کمالش مقام می‌دهد. خدا او را انتخاب کرده و برگزیده است. او همه دانش‌ها را به ارث برده است، او گزارش‌گر فرمان‌های خداست و دستورهای خدا را استوار می‌سازد، او به مردم درباره ایمان به خدا، تذکر می‌دهد. خدا او را هدایت کرده و استوار نموده است، خدا کارها را به او سپرده است».

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ، مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً، وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ، وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ، وَ عَلَانِيَتِهِ.

«بدانید که پیامبران قبل و جانشینان آنان، مژده آمدن مهدی علیه السلام را داده‌اند، از میان حجّت‌های خدا، فقط او باقی می‌ماند و پس از او حجّتی دیگر وجود ندارد. حقّ فقط با اوست و نور خدا فقط نزد اوست. هیچ کس بر او غلبه پیدا نمی‌کند، او بر همه دشمنانش پیروز می‌شود، او از طرف خدا، سرپرست و صاحب‌اختیار مردم

است، و حکم خدا را برای مردم اجرا می‌کند. همه امانت‌های آشکار و پنهان خدا نزد اوست».

* * *

آقای من! باز هم ممنون تو هستیم که از آخرین موعود آسمانی سخن گفتی، از فرزندت مهدی علیه السلام نام بردی و ویژگی‌های او را بیان نمودی. تو چندین بار در این سخنرانی از او یاد کردی و این‌گونه به من درس دادی که مبدا امام‌زمان خویش را فراموش کنم!

در روزگاری گرفتار شده‌ام که فراموش نمودن امام‌زمان، مُد روز شده است، خیلی‌ها دیگر آن یار سفر کرده را از یاد برده‌اند، آیا من هم همانند آنان خواهم شد؟

من که پیام غدیر را فهمیده‌ام، دیگر هم‌رنگ جماعت نمی‌شوم، دلم را به عشق امام‌زمانم پیوند می‌زنم و از غیر او دوری می‌کنم. می‌دانم زندگی بدون یاد امام‌زمان، مردگی است و مرگ بدون معرفت او، مرگ جاهلیت است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ، وَ أَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَ
إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي، أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ، وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ
مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي، أَلَا إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ، وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَ أَنَا آخِذُكُمْ
بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.

به مردم خبر می‌دهی که دین خدا را برای آنان بازگو نمودی و بعد از تو، این وظیفه را علی علیه السلام به عهده دارد، هر کس بخواهد دین واقعی را بشناسد باید آن را

از علی علیه السلام بیاموزد.

اکنون از همه می‌خواهی تا نزد تو بیایند و به امامت علی علیه السلام اقرار کنند و با تو و علی علیه السلام بیعت نمایند.

تو با خدا بیعت کرده‌ای و علی هم با تو بیعت نموده است، اکنون می‌خواهی از مردم برای علی علیه السلام بیعت بگیری. این یک پیمان آسمانی است و خدا به آن دستور داده است، مبادا کسی خیال کند که خدا به این پیمان نیاز دارد.

هرگز! هر کس پیمان شکنی کند به خدا ضرری نمی‌زند، بلکه به خودش ضرر زده است، هر کس هم به این پیمان وفادار بماند، خدا پاداشی بس بزرگ به او می‌دهد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَالصَّفَا، وَالْمَرَّةَ وَالْعُمْرَةَ، مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ
الْبَيْتِ أَوْ اغْتَمَرَ، فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ، أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ
شَاكِرٌ عَلِيمٌ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! حِجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ اللَّهِ إِلَّا اسْتَعْنُوا، وَ
لَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا.

تو با مردم از مدینه حرکت کردی و حج را به جا آوردی، این آخرین حج تو بود، دیگر فرصتی پیش نخواهد آمد تا درباره حج سخن بگویی، پس فرصت را غنیمت می‌شماری تا درباره این واجب الهی سخن بگویی.

اکنون به مردم خبر می‌دهی که حج، عمره، صفا و مروه از نشانه‌های دین خداست. هر کس به حج برود، یا عمره به جا آورد، باید سعی بین صفا و مروه کند. هر کس فرمان خدا را اطاعت کند، خدا به او پاداش می‌دهد زیرا خدا از همه چیز آگاهی دارد و قدرشناس است.

از مردم می‌خواهی به حج بروند، هر کس حج به جا آورد، گرفتار فقر نمی‌شود. به مردم هشدار می‌دهی که مبادا حج را ترک کنند، زیرا اگر حج را ترک کنند به فقر و

تنگدستی گرفتار می‌شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ، إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ لَهُ، مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ،
إِلَى وَفْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ، أُشْتُونَفَ عَمَلُهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ
مُعَانُونَ، وَنَفَقَاتُهُمْ مُحَلَّفَةٌ، وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ!
حُجُّوا الْبَيْتَ، بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ، إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ
إِقْلَاعٍ.

رفتن به سرزمین عرفات، مشعر و منا از اعمال حج است، وقتی مؤمنی به این سه سرزمین می‌رود خدا همه گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد و در پایان حج، هیچ گناهی در پرونده‌اش نمی‌ماند، پرونده گناهان او پاک می‌شود، او نباید نگران گذشته‌اش باشد، بعد از حج، دیگر وقت آن است که او اعمال نیک انجام دهد. آری، خدا به حاجیان کمک می‌کند و هر چه آنان برای حج خرج کنند، به آنها برمی‌گرداند و آن را جبران می‌کند، خدا پاداش نیکوکاران را به صورت کامل عطا می‌کند. از مردم می‌خواهی تا با دین کامل و بینش عمیق به حج بروند و از گناهان دست بردارند و بدون توبه، از حج برنگردند. حاجی باید وقتی از این سفر بازمی‌گردد دیگر گرد گناه نرود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَآتُوا الزَّكَاةَ، كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. لَسِنُ
طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ، فَفَضُّوْهُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ، فَعَلِيَّ وَلِيْكُمُ وَمُبَيِّنُ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، بَعْدِي وَمَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَمِنْهُ، يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ، وَ
يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

از مردم می‌خواهی همان‌گونه که خدا دستور داده است نماز را به پا دارند و زکات مالشان را بپردازند و اگر زمانی سپری شد و آنان در انجام دستورهای خدا کوتاهی

کردند یا وظیفه خود را فراموش کردند به علی علیه السلام مراجعه کنند تا آنان را راهنمایی کند، به راستی که او سرپرست و صاحب‌اختیار این امت است و دین را برای آنان بیان می‌کند.

خدا پس از تو، علی علیه السلام را برگزیده است، او و فرزندان‌ش، جانشینان تو هستند و خدا آن‌ها را معین کرده است. مردم باید سؤال‌های خود را از آنان بپرسند تا پاسخ بشنوند و به حقیقت آگاه گردند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأُعَرِّفَهُمَا، فَأَمْرٌ بِالْحَلَالِ وَ
أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ، فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ.

برای مردم می‌گویی که حلال و حرام بیش از آن است که تو همه آن‌ها را در اینجا یادآور شوی، برای همین در یک کلام، مردم را به انجام همه واجبات و دوری از همه گناهان، سفارش می‌کنی!

فَأَمْرٌ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ، وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ، يَقْبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ، فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ، الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ،
أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ، مِنْهُمْ الْمُهَدِيُّ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ.

خدا به تو دستور داده است تا امروز از مردم بیعت بگیری، پس به آنان چنین می‌گویی: «با من و علی بیعت کنید و امامت او و یازده امام بعد از او را قبول نمایید. بدانید که آن یازده امام از نسل من و از نسل علی می‌باشند، بدانید که مقام امامت تا روز قیامت فقط برای آنها است و آخرین آنها مهدی علیه السلام است.»

آقای من! این چهارمین بار است که در این خطبه، نام «مهدی علیه السلام» را ذکر می‌نمایی، تو این‌گونه شوق به آخرین امام را در جان و دل ما نهادینه می‌کنی! وقتی این خطبه را با دقت بررسی می‌کنم می‌بینم تو ۲۵ جمله زیبا درباره

مهدی علیه السلام به کار برده‌ای و ویژگی‌ها او را برای ما بیان نموده‌ای، آری، یاد مهدی علیه السلام همچون کیمیاست، شاید در اوج سیاهی‌ها و ناامیدی گرفتار آییم، ولی کیمیایی که تو به دستم دادی، خاک را طلا می‌کند، من دیگر هرگز ناامید نمی‌شوم، زیرا جوانه باور به آینده روشن و زیبا را در وجودم کاشتی! آقای من! ممنون تو هستم.

* * *

من عهد می‌بندم که امام‌زمان خویش را فراموش نکنم، من می‌دانم که به برکت وجود او، همه روزی می‌خورند، اگر خدا باران می‌فرستد، اگر خورشید می‌تابد، به خاطر اوست، اگر او نباشد، زمین و زمان بر هم پیچیده می‌شود. خدا به خاطر او این هستی را برپا نگاه داشته است، هر کجای جهان، قلبی می‌تپد و نفسی در سینه جاری است، هر کجا اثری از زندگی هست از برکت وجود اوست. همه هستی به اذن خدا بر سر سفره او، مهمان هستند. چه شده است که صاحب سفره فراموش شده است؟

مَعَاشِرَ النَّاسِ! وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ، أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَزِجِعَ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادُّكُرُوا ذَلِكَ، وَ احْفَظُوهُ، وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تَعَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ. أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَ آتُوا الزَّكَاةَ، وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

هر آنچه از دین خدا بازگو کرده‌ای، تغییر نمی‌کند، حلال خدا همیشه حلال است و حرام او همیشه حرام خواهد بود. از مردم می‌خواهی تا از این دین، مراقبت کنند و آن را تغییر ندهند، مردم نباید دستورات خدا را از یاد ببرند، آنان باید یکدیگر را به انجام واجبات و دوری از گناهان توصیه کنند.

تو بار دیگر سخنت را تکرار می‌کنی: «ای مردم! نماز را به پا دارید، زکات مالتان را بپردازید، امر به معروف و نهی از منکر کنید».

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَنْ تَنْتَهُوا إِلَيَّ قَوْلِي، وَ تَبْلِغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضُرْ، وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ، وَ تَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنِّي، وَ لَا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

تو از مردم خواستی تا امر به معروف و نهی از منکر بنمایند، به راستی مهم‌ترین و بالاترین امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ تو خود پاسخ این سؤال را این‌گونه می‌دهی: «ای مردم! بدانید که مهم‌ترین و بالاترین امر به معروف و نهی از منکر این است که در این سخنان من استوار و ثابت‌قدم بمانید و سخنانم را به دیگران برسانید و از آنان بخواهید که سخنانم را بپذیرند و با آن مخالفت نکنند. این فرمانی است که از جانب خداست و من شما را به اطاعت از آن امر می‌کنم، بدانید که امر به معروف و نهی از منکر همان امر و نهی امام معصوم است».

* * *

آقای من! تو در اینجا از حج، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر سخن گفتی، برای ما بیان کردی که حلال خدا تا روز قیامت حلال است و حرام خدا هم تا آن روز حرام.

من این جملات تو را شنیدم، ولی دوست دارم بدانم ارتباط این جملات با ولایت علی علیه السلام چیست؟

وقتی خوب فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که تو این‌گونه می‌خواستی سلطه شیطان را در جامعه از بین ببری.

دشمنان علی علیه السلام پیروان شیطانند، معلوم است وقتی در جامعه‌ای از نماز خبری

نیست و زکات داده نمی‌شود و گناه زیاد می‌شود، شیطان جولان می‌دهد، در چنین جامعه‌ای دشمنان ولایت، راحت‌تر می‌توانند به اهداف خود برسند. آری، همهٔ همّت شیطان این است که انسان‌ها را به هلاکت برساند، وقتی جامعه به معصیت رو بیاورد، کار شیطان راحت‌تر می‌شود. خدا علی علیه السلام را به عنوان امام قرار داد تا با سلطهٔ تاریکی مبارزه کند، حجّ، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر سلطهٔ شیطان بر جامعه را از بین می‌برد و آن وقت است که جامعه نورانی می‌شود و به نور خدا که علی علیه السلام است عشق می‌ورزد.

فصل دهم: بهشت خدا

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ، أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَ عَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي
وَ أَنَا مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ.» وَ قُلْتُ:
”لَنْ تَضِلُّوا، مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا“

تو در سخنان خود خبر دادی که خدا بعد از علی علیه السلام یازده امام برای هدایت این
امت قرار داده است، این یازده امام از نسل علی علیه السلام هستند. برای مردم بازگو کردی
که علی علیه السلام از توست و تو هم از علی علیه السلام هستی!
اکنون آیه ۲۸ سوره زُخْرَف را می‌خوانی تا همه بدانند قرآن این مطلب را آشکار
کرده است.

خدا در آن آیه چنین می‌گوید: «و خدا امامت را کلمه‌ای ماندگار در نسل او قرار
داد.» این آیه اشاره به علی علیه السلام است، تو برای مردم بازگو می‌کنی که خدا امامت را
کلمه‌ای ماندگار در نسل علی علیه السلام قرار داده است.

تو بارها برای مردم گفتی که در این امت برای روزگار بعد از خودت، دو یادگار
ارزشمند قرار می‌دهی: «قرآن و اهل بیت». تا زمانی که مردم از این دو دست

برندارند، هرگز گمراه نمی‌شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! التَّقْوَى التَّقْوَى، اخذُوا السَّاعَةَ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ. اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ، وَ الْمَحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الثَّوَابَ وَالْعِقَابَ، وَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ، فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

از مردم می‌خواهی تقوا پیشه کنند و از گناهان دوری کنند، از عذاب روز قیامت بترسند چرا که خدا در قرآن می‌گوید: «زلزله روز قیامت واقعه‌ای بسیار ترسناک و سهمگین است».

سفارش می‌کنی که ما همیشه به یاد مرگ باشیم، حساب و سنجش اعمال را به یاد آوریم که سرانجام در پیشگاه خدا به حساب ما رسیدگی خواهد شد و ما نتیجه اعمال خوب و بد خود را خواهیم دید. آری، هر کس در روز قیامت به همراه خود، اعمال نیک آورده باشد، پاداش زیبای آن را می‌بیند و به بهشت می‌رود، و هر کس نافرمانی خدا را کرده باشد در بهشت جایی ندارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدَةٍ، وَ أَمْرِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَنْ آخُذَ مِنَ السِّنْتِكُمْ، الْإِفْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ، مِنْ أَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ، أَنْ دُرِّيْتِي مِنْ صَلْبِهِ.

رسم بر این است که برای پیمان بستن، مردم با تو دست بدهند، اما جمعیتی که اینجا جمع شده‌اند بسیار زیاد است که نمی‌شود همه در یک روز برای بیعت، به تو دست بدهند، به همین دلیل خدا به تو دستور می‌دهد تا سه روز در سرزمین غدیر بمانی و از همه برای امامت علی علیه السلام و یازده فرزند او بیعت بگیری، همان یازده

امام که از نسل تو و نسل علی علیه السلام می‌باشند. از همه می‌خواهی تا به ولایت علی علیه السلام و ولایت امامان بعد او اقرار کنند.

آری، از نقشه‌های منافقان آگاهی داری و می‌دانی که آنان به دنبال بهانه‌ای می‌گردند، برای همین با «اقرار زبانی» راه بهانه را می‌بندی تا هیچ‌کس در آینده نتواند عذر بیاورد که سخنان پیامبر برایم آشکار نبود.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: "إِنَّا سَامِعُونَ، مُطِيعُونَ، رَاضُونَ، مُنْقَادُونَ، لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ، فِي أَمْرِ عَلِيِّ وَ أَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صُلَيْبِهِ، مِنَ الْأَيْمَةِ. نُبَايَعُكَ عَلِيُّ ذَلِكَ، بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ السِّنِّتِنَا وَ أَيْدِينَا، عَلَيَّ ذَلِكَ نَحْيًا وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ، وَ لَا نُغَيِّرُ وَ لَا نُتَبَدَّلُ، وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَزْتَابُ، وَ لَا نَزْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ. نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ، وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ، الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ، مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلَيْبِهِ، بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي، وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي، وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، فَقَدْ أَدَّيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَيْسِهِمَا عَلَيَّ، وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ."

اکنون تو از همه می‌خواهی تا این جملات را تکرار کنند:

ای پیامبر! تو دستور خدا را درباره امامت علی علیه السلام و امامان بعد او به ما رساندی و ما آن را شنیدیم و این دستور را اطاعت می‌کنیم و به آن راضی و خشنودیم. ما با دل و دست و زبان با تو پیمان می‌بندیم که سخنان تو را اطاعت کنیم. ما بر سر این پیمان خود هستیم تا زمانی که زنده‌ایم، با این پیمان جان می‌دهیم و با این پیمان سر از قبر برمی‌داریم. هرگز پیمان خود را تغییر نمی‌دهیم و در آن شک نمی‌کنیم، ما همواره بر سر بیعت خود می‌مانیم و هرگز پیمان شکنی نمی‌کنیم.

ما خدا را اطاعت می‌کنیم و از تو، از علی علیه السلام و از فرزندان او که امامان ما هستند، پیروی می‌نماییم.

ای پیامبر! تو از امامان پس از علی علیه السلام یاد کردی و گفتی که آن‌ها فرزندان تو هستند و از نسل علی علیه السلام می‌باشند. برای ما گفتی که حسن و حسین علیهما السلام بعد از پدرشان دو امام هستند، امامان بعدی، پس از این دو خواهند بود. تو جایگاه حسن و حسین علیهما السلام را برای ما بیان کردی و گفتی که آنان چه مقامی نزد خدا دارند. تو همه مطالب را به ما رساندی و برایمان بیان کردی. حسن و حسین علیهما السلام، دو آقا و سرور اهل بهشت هستند و پس از پدرشان علی علیه السلام، امام‌اند. حسن و حسین علیهما السلام از نسل تو می‌باشند

* * *

همه مردم این سخنان را با صدای بلند تکرار می‌کنند.

فَقُولُوا: "أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ، وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَالْأَيِّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ، عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا، وَ مُصَافَقَةٍ أَيْدِينَا، مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ، وَ أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ. وَ لَا نَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا، وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا، أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا، وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَ اسْتَرَّ، وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ."

بار دیگر از مردم می‌خواهی تا این جملات را با هم اقرار کنند:

ای پیامبر! ما از این دستورهای خدا و فرمان‌های تو اطاعت می‌کنیم و از علی علیه السلام، حسن و حسین علیهما السلام و امامان پس از آن‌ها، پیروی می‌کنیم. ای پیامبر! تو از قلب ما و از دست و زبان ما برای علی علیه السلام که جانشین توست،

بیعت می‌گیری! هر کدام از ما با دست بیعت می‌کند و پیمان می‌بندد و با زبان، این‌گونه اقرار می‌کند.

ای پیامبر! ما جایگزینی برای علی علیه السلام قرار نمی‌دهیم و هرگز نظرمان را درباره او تغییر نمی‌دهیم. خدایا! تو گواه و شاهد باش که راست می‌گوییم! به راستی که خدا برای گواهی دادن، کافی است.

ای پیامبر! تو نیز بر گفتار ما، شاهد و گواه هستی. همه فرشتگان و همه بندگان خدا شاهد و گواه این سخنان ما هستند و خدا از هر شاهدی بزرگ‌تر است.

* * *

تو از مردم این‌گونه پیمان گرفتی، آنان یک‌صدا این جملات را تکرار کردند و اقرار کردند که ولایت علی علیه السلام را پذیرفته‌اند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ، وَ خَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ. فَمَنْ
أَهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، يَدُ
اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ.

خدا به تو خبر داده است که عده‌ای در میان همین مردم برای ظلم در حق علی علیه السلام برنامه‌ریزی می‌کنند، آنان همان منافقان هستند که دورو بودن مهمترین ویژگی آنان است، آنان به ظاهر این جملات را به زبان آوردند ولی هرگز به آن ایمان نیاورده‌اند، آنان نماز هم که می‌خوانند برای فریب مردم است و هرگز به خدا ایمان ندارند. جمعیت آنان اندک است ولی آنان با همین جمعیت اندک، می‌خواهند بعد از تو فتنه‌ای بزرگ برپا کنند. آنان در گوش یکدیگر از نقشه‌های خود می‌گویند، به یکدیگر یادآوری می‌کنند که باید صبر کنیم تا زمان اجرای نقشه ما فرا برسد و حکومت را به دست بگیریم!

اکنون می‌خواهی با آن منافقان چند جمله سخن بگویی، بدون آن که نام آنها را ببری چنین می‌گویی: «شما چه می‌گویید و در دل‌های شما چه می‌گذرد؟ بدانید که خدا هر صدایی را می‌شنود و از دل‌هایتان آگاه است. اگر در راه راست قدم بگذارید، سود آن به خودتان برمی‌گردد، و اگر از آن منحرف شوید، به ضرر خودتان خواهد بود. هر کس امروز با من و علی علیه السلام بیعت کند، در واقع با خدا بیعت کرده است، دست خدا، بالای همه دست‌هاست».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ،
وَالْأَيِّمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً، يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ، وَيَرْحَمُ مَنْ وَفَى، «فَمَنْ نَكَثَ
فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا
عَظِيمًا.»

بار دیگر از مردم می‌خواهی تقوا پیشه کنند و با علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام و امامان بعد از آنها، بیعت کنند که همه آنان، کلمه‌های ماندگار خدا در روی زمین هستند.

اکنون دعا می‌کنی که هر کس عهدشکنی کند خدا او را نابود کند و هر کس بر این پیمان خود وفادار بماند، خدا به او مهربانی فراوان کند!
سپس آیه ۱۰ سوره فتح را می‌خوانی: «هر کس در پیمان خود، عهدشکنی کند به خود ستم کرده است و هر کس به این پیمان وفادار بماند خدا به زودی به او پاداشی بس بزرگ می‌دهد».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَسَلِّمُوا عَلَيَّ يَا مِرَّةَ الْمُؤْمِنِينَ.
از مردم می‌خواهی که وقتی می‌خواهند به علی علیه السلام سلام کنند او را با نام «امیرمؤمنان» صدا بزنند و چنین بگویند: «سلام بر تو ای امیر مؤمنان».

قُولُوا: ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾. وَقُولُوا: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا
بِالْحَقِّ، وَنُودُوا أَنْ تُلَكُمُ الْجَنَّةَ، أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.

از مردم می‌خواهی تا همه، آیه ۲۸۵ سوره بقره را بخوانند: «ای پیامبر! ما سخنان را شنیدیم و از آن‌ها پیروی می‌کنیم».

سپس از آنان می‌خواهی تا آیه ۴۳ سوره اعراف را همه بخوانند، این آیه سخن اهل بهشت است وقتی که وارد بهشت می‌شوند، چنین می‌گویند: «خدایی را سپاس می‌گوییم که ما را به این جایگاه پر از نعمت، رهنمون ساخت و اگر او ما را راهنمایی نمی‌کرد و پیامبران را برای راهنمایی ما نمی‌فرستاد، ما هرگز به این مقام، راه نمی‌یافتیم، به درستی که پیامبران ما را به حق رهبری کردند». و خدا هم در جواب به آنان چنین ندا می‌دهد: «این همان بهشتی است که شما به وسیله اعمال خوب خود، وارث آن شده‌اید».

* * *

آقای من! سخن تو رو به پایان است، تو امروز آیه‌های فراوانی را برای ما خواندی، اما آخرین آیه‌ای که بر زبانت جاری شد آیه ۴۳ سوره اعراف بود. به راستی چه رمز و رازی در این آیه است؟ گویا تو می‌خواهی این مطلب را به ما برسانی که ولایت علی علیه السلام، همان بهشتی است که خدا به ما وعده داده است، کسی که ولایت علی علیه السلام را قبول کند در همین دنیا به بهشت وارد شده است. خدا را شکر می‌گوییم که بهشت را به من ارزانی داشت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا
فِي الْقُرْآنِ، أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا

فَصَدِّقُوهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا، وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ
ذَكَرْتُهُمْ، فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

تو امروز از فضیلت‌های علی علیه السلام سخن‌ها گفתי، امروز نکته مهمی را تذکر می‌دهی: «ای مردم! فضیلت‌های علی علیه السلام که خدا در قرآن از آن یاد کرده است بیش از آن است که بتوان آنها را یک جا بیان کرد، پس هر کس که از فضیلت‌های او آگاه باشد و برای شما از آن سخن بگوید، پس سخنانش را قبول کنید. ای مردم! هر کس از خدا و پیامبر او و از علی علیه السلام و از امامانی که معرفی کردم، اطاعت نماید، به رستگاری بزرگی می‌رسد».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، إِلَىٰ مَبَايِعَتِهِ وَمَوَالِيَتِهِ، وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ
بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

درست است که جمعیت فراوانی در صحرای غدیر گرد هم آمده‌اند و تو از همه، اقرار زبانی گرفتی، ولی برنامه بعدی این است که مردم نزد علی علیه السلام بیایند و با او دست بدهند و بیعت کنند، اکنون تو چنین می‌گویی: «ای مردم! کسانی که زودتر از دیگران، با علی علیه السلام بیعت کنند و به ولایت او ایمان بیاورند و به او با لقب "أمیرمؤمنان" سلام دهند، از رستگاران هستند و به بهشت‌های پر از نعمت خدا، وارد می‌شوند».

نکته مهم این است: کسی که بیعت می‌کند باید به ولایت علی علیه السلام باور داشته باشد و گر نه منافقان هم در صف اوّل ایستاده‌اند و برای فریب‌کاری می‌خواهند زودتر از همه بیعت کنند، بیعت آنان هیچ فایده‌ای ندارد، زیرا آنان دورو هستند، کسی که نفاق دارد به خشم خدا گرفتار می‌شود و جایگاه او جهنم است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا، فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْظِبْ عَلَيَّ
الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بار دیگر رو به مردم می‌کنی و چنین می‌گویی: «به آن چه خدا می‌پسندد، ایمان بیاورید؛ بدانید اگر شما و مردم روی زمین، همگی کافر شوید، به خدا هیچ ضرری نمی‌رسد».

سپس چنین دعا می‌کنی: «خدایا! آمرزش خود را بر مؤمنان فرو فرست و بر کافران غضب نما!».

بعد از آن، آخرین جمله سخنرانی خود را این چنین بیان می‌کنی: «خدا را حمد و ستایش می‌کنم که پروردگار جهانیان است». و این‌گونه اولین و آخرین جمله خطبه غدیر، حمد و ستایش خدا می‌شود، به راستی که همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها از آن خداست.

* * *

آقای من! اکنون که خطبه تو به پایان رسید، سؤالی به ذهنم می‌رسد: چرا این خطبه با «بسم الله» شروع نکردی؟ مگر خودت نگفتی هر کاری که با «بسم الله» آغاز نشود، ناقص است. من در جستجوی پاسخ این سؤال هستم!

* * *

وقتی بررسی می‌کنم متوجه می‌شوم که تو این سخن را هم گفته‌ای: «هر کاری که با حمد خدا آغاز نشود، ناقص است».*
آری، این روش تو بود، تو از مردم می‌خواستی که کارهای خود را یا با «بسم الله»

* کل کلام لایبداً فيه بالحمد فهو اقطع: بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۲۱۶ (ط. بیروت).

یا با «الحمد لله» آغاز کنند. یک مسلمان هر کار را باید با یاد خدا آغاز کند: یاد خدا گاه با «بسم الله» است و گاه با «الحمد لله».

تو خطبه غدیر را با حمد خدا شروع می‌کنی و با حمد خدا به پایان می‌بری، به راستی چه عبارتی به اندازه «الحمد لله» زیبا و دلربا است؟ وقتی من به این جمله باور دارم، به چه رسیده‌ام؟ در جهان، چقدر زیبایی و خوبی می‌بینم؟ خدا را سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌دانم.

«الحمد لله» یعنی: خدا مهربان است، بخشنده است. زیباست. گناهان بندگان خود را می‌بخشد، اوست که به بندگان خود روزی می‌دهد، او انسان‌ها را به حال خود رها نمی‌کند، برای آنان در هر زمان، حجتی قرار می‌دهد، وقتی کسی به او پناه آورد، او را پناه می‌دهد...

من باید به خاطر نعمت ولایت علی علیه السلام خدا را حمد و ستایش بگویم و چنین بگویم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

* * *

آقای من! تو در این خطبه، «بسم الله» را تفسیر کردی، زیرا علی علیه السلام، حقیقت بسم الله است، او نشانه‌ای از عظمت خداست، او نور خداست. او اسم خداست... به راستی من به دنبال چه هستم؟ تو در سراسر این خطبه از حقیقت بسم الله سخن گفتی! اکنون آن سخن علی علیه السلام را به یاد می‌آورم که فرمود: «من همان نقطه زیر حرف باء در بسم الله هستم».*

آقای من! اینجا دیگر کتاب به پایان می‌رسد، خودت می‌دانی پایان کتاب، آغاز

*. أنا النقطة التي تحت الباء: يتابع المودة ج ۱ ص ۲۱۲.

غصه من است، غصه این که چرا این روزهایی که برای شما می‌نوشتم، تمام شد،
دیگر معلوم نیست چه زمانی توفیق، یار من شود...
مولای من! بار دیگر اجازه‌ام بده! مرا منتظر نگذار! وقتی لذت نوکری شما را
چشیدم دیگر دلم به چیزهای دیگر، خوش نمی‌شود...

پایان

سؤالات سابقه کتاب خوانی

۱. این جمله را با توجه به خطبه غدیر تکمیل کنید: «خدا... هرگز به بن بست نمی رسد» که نیاز به راه حل پیدا کند».
- الف. روزی دادن به بندگان ب. آفرینش جهان ج. بیان حقیقت
۲. جبرئیل چند بار نزد پیامبر آمد و از طرف خدا به او دستور داد در سرزمین «غدیر» توقف کند؟
- الف. یک بار ب. پنج بار ج. سه بار
۳. این ترجمه کدام آیه است؟ «فقط خدا و پیامبر و کسانی که در رکوع نماز، صدقه می دهند، بر شما ولایت دارند».
- الف. سوره آل عمران آیه ۱۶۷ ب. سوره اعراف آیه ۱۵۷ ج. سوره مائده آیه ۵۵
۴. حکمت خدا درباره منافقانی که تصمیم داشتند با حق، مخالفت کنند چیست؟
- الف. همه انسان ها امتحان بشوند ب. همه انسان ها، حتماً مومن بشوند ج. همه انسان ها به کمال واقعی برسند.
۵. علم و دانش او از همه برتر است و برای همین است که او ...
- الف. شایستگی امامت را دارد ب. راه حق را آشکار می کند ج. هیچکدام
۶. «علی علیه السلام پیامبر را تا پای جان یاری کرد»، این مطلب در خطبه غدیر اشاره به چیست؟
- الف. شجاعت علی علیه السلام در میدان جنگ ب. ماجرای لیلۃ المبیت ج. بیعت رضوان
۷. منظور از «جَنبَ اللَّهِ» چیست؟
- الف. راه خدا ب. ولایت علی علیه السلام ج. هر دو
۸. در خطبه غدیر، پیامبر کدام سوره های قرآن را در مدح علی علیه السلام معرفی کردند؟
- الف. کوثر، فجر، هل أتى ب. حمد، کوثر، عصر ج. هل أتى، حمد، عصر
۹. این جمله ترجمه کدام آیه قرآن است: «به خدا و رسول خدا و نوری که به همراه او نازل شده است، ایمان بیاورید».
- الف. سوره آل عمران آیه ۱۶۷ ب. سوره اعراف آیه ۱۵۷ ج. سوره مائده آیه ۵۷

۱۰. پیامبر در این خطبه، چند بار نام «مهدی علیه السلام» را به زبان می آورند؟
الف. چهار بار ب. سه بار ج. دو بار
۱۱. پیامبر در این خطبه، سوره حمد را تفسیر کرد، سپس چه کسانی را «برادران شیطان» معرفی کرد؟
الف. منافقان ب. دشمنان علی علیه السلام ج. گمراهان
۱۲. کدام آیاتی زیر درباره دشمنان علی علیه السلام است و در این خطبه به آن اشاره شده است؟
الف. ۸-۱۱ سوره مملک ب. ۸۲-۸۴ سوره انعام ج. ۷۵-۷۳ سوره زمر
۱۳. پیامبر در این خطبه، کدام ویژگی را درباره مهدی علیه السلام بیان نکردند؟
الف. باوردین خدا ب. غیبت او طول می کشد ج. خدا او را هدایت کرده است
۱۴. آخرین آیه ای که پیامبر در این خطبه خواند چه بود؟
الف. آیه ۵۷ سوره مائده ب. آیه ۱۶۷ سوره آل عمران ج. آیه ۴۳ سوره اعراف

پاسخنامه سؤالات
کتاب «چشمه جاوید»

| ج | ب | الف | * | ج | ب | الف | * |
|---|---|-----|----|---|---|-----|---|
| | | | ۸ | | | | ۱ |
| | | | ۹ | | | | ۲ |
| | | | ۱۰ | | | | ۳ |
| | | | ۱۱ | | | | ۴ |
| | | | ۱۲ | | | | ۵ |
| | | | ۱۳ | | | | ۶ |
| | | | ۱۴ | | | | ۷ |

نام پدر

نام خانوادگی

نام

تلفن

شماره شناسنامه

سال تولد